

## تحلیل سیاست اقتصاد کشاورزی هخامنشیان در بابل

### آناهیتا امانی یکانگی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
[anahita.amani@yahoo.com](mailto:anahita.amani@yahoo.com)

### احمد کامرانی فر

استادیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)  
[a.kamranifar1343@gmail.com](mailto:a.kamranifar1343@gmail.com)

### فیض الله بوشاسب گوشه

دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
[f.boushasb@yahoo.com](mailto:f.boushasb@yahoo.com)

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شایا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۷- صفحه ۱۸۶-۱۵۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۷ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

### چکیده

با تصرف بابل، کوروش و دربار هخامنشی با ساختارهای اقتصاد کشاورزی بابل و میانرودان آشنا و روبرو شدند. این ساختار از یک سو مبتنی بر معابد ثروتمند بابل بود که علاوه بر زمین‌های وسیع کشاورزی متعلق به معابد، با اعطای وام و نهاده‌های کشاورزی به کشاورزان کوچک و بزرگ بابلی نقش مهمی در اقتصاد و کشاورزی بابل ایفا می‌کردند. در کنار آن خاندان‌هایی از ثروتمندان بابلی با ایجاد بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی و وام دادن، بذر، گاوهای کار و زمین به رقابت با معابد بابل می‌پرداختند. علی‌رغم ثروت و امکانات فراوان معابد بابل، اما با تسلط هخامنشیان بر بابل، از نقش و قدرت اقتصادی معابد بابل بسیار کاسته شد و در عوض بر نقش و توان اقتصادی بنگاه‌های کشاورزی بابل، بخصوص دو بنگاه آگیبی و موراشو بسیار افزوده گشت. اما این روند در نهایت متوقف و به ناگاه به فعالیت این بنگاه‌ها در ابتدای دوران زمامداری خشایارشا پایان داده شد. در این پژوهش به واکاوی علل این موضوعات و سیاست‌های هخامنشیان در این ارتباط و همچنین به تحلیل نتایج حاصل از این سیاست‌ها پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که هخامنشیان جهت تحکیم تسلط و پایه‌های اقتدار خود در بابل به عمد چنین سیاستی را اجرا نموده‌اند. همچنین شواهدی نمایانگر ناکامی این سیاست هخامنشیان در بابل و تاثیر آن بر بروز ناآرامی‌ها و شورش‌های بابل در عصر خشایارشا می‌باشد. این مقاله بر اساس شواهد و مدارک موجود کتابخانه‌ای و به شیوهی پژوهش‌های تاریخی و تحلیلی تهیه گردیده است.

**واژگان کلیدی:** هخامنشیان، معابد بابل، آگیبی، اقتصاد بابل، خشایارشا

#### مقدمه

هرچند که کوروش از ابتدای ورود به بابل هدف خود را جلب رضایت و سعادت مردم بابل عنوان و با احترام به دین و آیین مردم بابل رفتار نمود و احترام خود به مردم و خدایان بابل را با انتشار منشور خود و حضور در معبد «مردوک» خدای بابل برای رسمیت و مشروعیت بخشیدن به حکومتش بر بابل به مردم و کاهنان معابد بابل نشان داد (گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲/ص ۲۷۰-۲۶۸، رزمجو، ۱۳۸۹: ص ۵۸، ۱۲: ۲۰۰۰، Brosius, ۸۹: ۱۹۸۳, kuhrt). اما، علی‌رغم حضور کوروش در معبد مردوک خدای بابل و احترام به مردم و کاهنان بابلی و انتشار منشور کوروش و با وجود سیاست تساهل و تسامح مذهبی هخامنشیان که بر ملل تابعه‌ی خود اعمال می‌کردند، اندک اندک فشار حکومت هخامنشی بر معابد بابل افزایش یافت و برخلاف شیوه‌ی حاکمان پیشین بابل و کمک‌های فراوانی که تا پیش از عصر هخامنشی از سوی شاهان بابل به معابد بزرگ بابل می‌شد، اما از زمان کوروش به عنوان شاه بابل نه تنها این کمک‌ها تداوم نیافت، بلکه مالیات‌های سنگینی بر درآمد‌های معابد وضع و به طور سالیانه از معابد بابل اخذ می‌شد. همچنین علاوه بر این مالیات‌های سنگین در موارد و موقعیت‌های گوناگون، معابد ملزم به تامین کارگر، نیروی انسانی و همچنین جهت مصارف مختلف ملزم به تامین انواع کالاها بودند. علاوه بر آن همواره سایه‌ی «گوبارو» حاکم منصوب کوروش در بابل و جانشینانش بر سر معابد بابل و کارگزاران آن سنگینی می‌کرد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳-۱۱۱، گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲/ص ۲۶۸).

از آن‌جا که از نظر کوروش و جانشینانش حفظ امنیت بابل مسئله‌ای بسیار مهم بود و یک جنبه‌ی این امنیت، اقتصاد وابسته به کشاورزی بابل بود که بخش عمده‌ای از آن در اختیار معابد بابل بود و همچنین معابد از این طریق در ارتباط وسیع با توده‌های مردم بابل قرار داشتند و بدین جهت در کنترل و هدایت مردم بابل نقش مهمی داشتند، و نقش منفی این معابد و کارگزاران آن در سقوط نبونید چشمگیر بود، از این رو می‌توان به علل اجبار حکومت هخامنشی به کاهش قدرت اقتصادی و تاثیرگذاری اجتماعی و به طبع آن سیاسی معابد بابل پی برد. به جهت آن‌که بخش بسیار بزرگی از اقتصاد بابل در اختیار معابد بابل و بخش بسیار کوچک‌تری از آن در اختیار بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی بود و بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی بابل در زمان ضعف معابد بابل و در رقابت با آن ایجاد شده بودند، تدبیر بهره‌گیری از بنگاه‌های خصوصی کشاورزی در جهت کاهش قدرت اقتصادی و تاثیرگذاری اجتماعی سیاسی معابد بابل مطرح شد.

## تحلیل سیاست اقتصاد کشاورزی هخامنشیان در بابل

در دوران «کاندالانو» (۶۲۶ - ۶۴۷ پ.م.) جانشین و میراث‌دار بابل ویران عصر «آشوربانیپال» (کینگ، ۱۳۷۸: ص ۴۰۳)، که معابد ویران در منطقه‌ی بابل دیگر توانایی و امکانات وام‌دهی نهاده‌های کشاورزی و از جمله گاوهای کار، که بسیار گران و کمیاب شده بودند را نداشتند، تعدادی از خاندان‌های ثروتمند بابلی از جمله، دو خانواده‌ی آگیبی و موراشو با تهیه و در اختیار گرفتن گاوهای کار و بذر مرغوب، آن‌ها را به صورت پایاپای و با بهره‌ی نسبتاً زیاد در اختیار کشاورزان قرار دادند. بدین شکل بنگاه‌های خصوصی اعتباری یا اعطای وام کشاورزی در بابل تشکیل و در کنار معابد بابل به فعالیت‌های کشاورزی مشغول شده بودند.

بنابراین از سوی کوروش و جانشینانش، بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی بابل، وسیله‌ای مناسب جهت دورکردن اقتصاد وابسته به کشاورزی بابل از نفوذ معابد و تاثیر زیاد معابد بر مردم بابل تشخیص داده شد و از همین رو بود که از توسعه‌ی فعالیت‌های بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی بابلی «آگیبی» و «موراشو» حمایت‌های گسترده‌ای به عمل آمد. همچنین به جهت اینکه با فتح بابل اراضی وسیعی به تصرف دربار هخامنشی درآمده بود و امکانات و توانایی بهره‌برداری دربار هخامنشی از همه‌ی این اراضی وجود نداشت، بنابراین راه چاره‌ی تقسیم اراضی در بین درباریان، اشراف، بزرگان و حتی مردم بابل مطرح شد.

از سوی دیگر از آن‌جا که با توسعه‌ی شاهنشاهی و تصرف سرزمین‌های دیگر، و به جهت تامین بخشی از حقوق و دستمزد سربازان و فرماندهان ارتش هخامنشی، حاکمان هخامنشی، تصمیم به تقسیم اراضی در بین سربازان، افسران و فرماندهان ارتش هخامنشی، یعنی تیولداری یا زمینداری نظامی یا خطر و گرفته بودند (گرشویچ، ۱۳۸۷: ص ۴۵۴-۴۵۳) و از آن‌جا که این سربازان و فرماندهان، دانش و توانایی بهره‌گیری از این اراضی را نداشتند، بنابراین جهت بهره‌برداری از اراضی واگذار شده، روش بهره‌برداری توسط بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی بابل و تقسیم اراضی بابل در ساختار «خطرو» به منظور تقویت ارتش هخامنشی و به کارگرفتن جمعیت زیادی از کشاورزان و مردم بابل، با هدف تضعیف بیش‌تر قدرت و نفوذ معابد بر مردم و جامعه‌ی بابل صورت گرفت.

بنابر موضوعات ذکر شده‌ی فوق، این پژوهش در جستجوی پاسخی برای این پرسش مهم می‌باشد: تاثیر سیاست اقتصادی هخامنشیان در شورش بابل زمان خشایارشا چه بود؟ همچنین در این رابطه سوالات دیگری نیز مطرح می‌شود: اهداف و اهمیت بهره‌گیری از بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی بابل برای حکومت هخامنشی چه بود؟ روابط و مناسبات هخامنشیان با معابد بابل چه روندی را طی نمود؟ و سرانجام فعالیت‌های بنگاه‌های خصوصی اعتباری بابلی چگونه بود؟

در پاسخ به این پرسش‌ها می‌توان فرضیاتی را مطرح نمود: فرضیه اول: آسیب‌های وارد شده به معابد بابل در جریان شورش‌های دوران خشایارشا نمایانگر تقابل معابد و دربار بابل می‌باشد. این امر در ادامه‌ی توسعه‌ی بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی و رکود اقتصادی معابد بابل در عصر هخامنشی و نمایانگر تحولات بنیادین در سیاست اقتصادی بابل در این دوران می‌باشد. فرضیه دوم: علاوه بر توسعه‌ی اقتصادی بابل، تامین نفقات، تجهیزات و مخارج نظامی بوسیله‌ی «خطرو» همچنین جهت مقابله با قدرت اقتصادی و تاثیرگذاری اجتماعی معابد بر مردم بابل از جمله‌ی مهم‌ترین اهداف و اهمیت بهره‌گیری از بنگاه‌های اعتباری کشاورزی بابل برای حکومت هخامنشی بود. فرضیه سوم: هخامنشیان که از وسعت سلطه‌ی اقتصادی معابد بر بابل، آگاه، از میزان تاثیرگذاری اجتماعی و سیاسی آن‌ها بر مردم بابل، نگران و درصدد ممانعت از تکرار اقدامات ضدحکومتی معابد در دوران حکومت نبودند، در نتیجه به روش‌های مختلف به مقابله‌ی جدی با معابد بابل پرداختند. اما این سیاست‌ها و مقابله دربار بابل با معابد منجر به خشم انباشته شده‌ی کاهنان معابد شده و سرانجام به شورش گسترده‌ی بابل در ابتدای زمامداری خشایارشا منتهی گردید. فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد که همزمان با سرکوب شورش‌های ۴۷۹ پ.م بابل توسط خشایارشا به فعالیت‌های بنگاه‌آگویی بابل نیز پایان داده شده است.

### پیشینه‌ی پژوهش

هرچند در اغلب منابع عصر هخامنشی همانند (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۲۲۲-۱۰۸، اومستد، ۱۳۸۳: ص ۲۶۴-۶۸، ۲۰۱۶: ۳۸۸-۴۰۷، DeMieroop) به آغاز و نحوه‌ی شکل‌گیری و توسعه‌ی فعالیت‌های بنگاه‌ها و تجارتخانه‌های کشاورزی و اعتباری بابلی در پیش از عصر هخامنشی و همچنین به توسعه‌ی بیش‌تر این بنگاه‌ها در دوران هخامنشی و نسبت به معابد بابل، اشاراتی شده است و یا در منابعی به اوضاع بابل و ساختار و احوال و جایگاه رفیع اقتصادی، اجتماعی معابد در پیش و نزول این جایگاه پس از عصر هخامنشی (۲۰۰۷: ۲۳۲-۲۴۳، Wunsch, ۲۰۰۱: ۱۳۳، Bedford) مباحثی مطرح گردیده و یا به ساختار و نظام تامین نیرو و امکانات جهت ارتش هخامنشی یا «خطرو» (هاترو) در (Zadok, ۱۹۷۶: ۷۲-۷۳، Roth, ۱۹۹۱: ۲۰، Wunsch, ۲۰۰۷: ۲۳۲-۲۳۶، Abraham, ۲۰۰۴: ۹-۱۱، Baker, ۲۰۰۱: ۱۹، Geller breytti, ۲۰۱۴: ۱۹۱-، Evers, ۱۹۹۳: ۱۰۷-۱۱۷، Nielsen, ۲۰۱۱: ۴۹، Holtz, ۲۰۰۹: ۱۴۱، ۱۹۸ گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲/ص ۴۵۴-۴۵۳، اومستد، ۱۳۸۳: ص ۱۰۳) و به روابط هخامنشیان با کارگزاران معابد در منابع دیگر (Jursa, ۲۰۱۰: b, ۶۱، Jursa, ۲۰۰۷: ۸۹، Abraham, ۲۰۰۴: ۵۸-۶۳) پرداخته شده است و یا همچنین در

منابعی به اقدامات شاهنشاهان هخامنشی در سرکوب شورش بابل در تابستان ۴۷۹ پ.م. (بریان، ۱۳۸۷: -/ص ۸۵۴، ۳/۱۷۰، ۲۰۱۴، Arrian, ۱۸۵۹: ۲۴۹، Herodotus)، بابل مطالب مفید زیادی وجود دارد (گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲/ص ۴۸، ۱۰۰ & ۷۱: ۱۹۵۰، Baumgartner).

در هیچ یک از این منابع به موضوعات مورد بحث در این پژوهش چون اهداف نهان و آشکار هخامنشیان از توسعه‌ی بنگاه‌های اعتباری کشاورزی بابل، و چرایی و یا دلایل فشار هدفمند دربار هخامنشی بر معابد بابل و یا استفاده از بنگاه‌های اعتباری بابلی برای کاهش قدرت و نفوذ اقتصادی و اجتماعی معابد بر مردم بابل و یا انگیزه‌های خشایارشا در پایان بخشیدن به فعالیت‌های بنگاه اعتباری اگیی بابل، خطروی بابل و عواقب آن اشاره نگردیده است و از دلایل و اهمیت شورش و خروج بابل از پایتختی در عصر خشایارشا و اهمیت و تاثیر اقتصادی، سیاسی و نظامی آن و در دورانی که ناآرامی در ساتراپی‌هایی چون مصر و همسایگان غربی مانند یونان بر اهمیت فراوان این موضوع افزوده است، پرداخته نشده است و جای بحث در رابطه‌ی با این موضوعات و همچنین دلایل و عواقب این سیاست‌ها خالی می‌باشد. پژوهش زیر با پرداختن به مباحث فوق درصدد کشف آگاهی‌های بیش‌تر در موضوعات پیش گفته شده، می‌باشد.

### بحث

#### شورش بابل در ابتدای زمامداری خشایارشا

اندکی پس از آغاز سلطنت خشایارشا در سال (۴۸۶ پ.م.) اولین شورش بابل در سال ۴۸۶ پ.م. (گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲/ص ۴۴۸)، و یا به روایتی در سال ۴۸۱ پ.م. (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۲۳)، توسط «بل-شیمانی» (Bēl-Simāni) رخ داد که تنها ۱۵ روز طول کشید (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۲۳، ۲۰۱۸: ۹۱، Waerzeggers & Seire). از کوتاهی مدت این شورش می‌توان به، بدون پشتیبان بودن آن پی برد. «شورش دوم که تداوم بیش‌تری یافت، شورشی به رهبری «شمش اریبه» بود که از اوت تا اکتبر عناوین سستی «شاه بابل، شاه سرزمین‌ها» را برای خود برگزیده بود، این شورش خشایارشا را در تابستان ۴۷۹ پ.م. به ترک سارد واداشت (۲۰۱۸: ۶، Waerzeggers & Seire). طولانی شدن این شورش نمایانگر آن بود که از پشتیبانی ساختارهای قدرت یعنی معابد بابل برخوردار بوده است.

از آن‌جا که بابل یکی از چند پایتخت مهم هخامنشی و یکی از ثروتمندترین ساتراپی‌ها بود و هم‌زمان با حکومت داریوش به انبار غله‌ی امپراتوری ایران تبدیل و در کتیبه‌های داریوش با عنوان «بابیروش» نام برده شده، ثروتمندترین و زیباترین ایالات ایران بود و مالیاتی در حدود ۱۰۰۰ تالان نقره (معادل چهارماه آذوقه‌ی دستگاه شاهی) در سال، به

دولت هخامنشی پرداخت می نمود (هرمان، ۱۳۷۳: ص ۲، سامی، ۱۳۸۹: ۲/ص ۱۶۵، شارپ، ۱۳۸۴: ص ۳۳، هرودوت، ۱۳۸۶: ص ۲۲۳ و ۹۴، بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۶۰۸) و به جهت اینکه از عنوان پایتختی شاهنشاهی بهره مند بود، انتظار می رفت که برخوردارترین و باثبات ترین ساتراپی ها باشد. اما وقوع دو شورش در فاصله ی زمانی کم در بابل و در ابتدای سلطنت خشایارشا، نمایانگر عدم رضایت گسترده ی اهالی بابل از حکومت هخامنشی و نمایانگر ریشه های عمیق این نارضایتی بود. از آن جا که این شورش به حدی گسترده بود که موجب خروج بابل از پایتختی شاهنشاهی هخامنشی، حداقل برای دوره ی سلطنت خشایارشا شده بود، جهت پی بردن به دلایل آن نیازمند واکاوی سیاست های منجر به این نارضایتی می باشد.

به دلیل آن که در طی سرکوب این شورش آسیب های جدی به معابد بابل رسیده بود و هرودوت (در کتاب ۱، بند ۱۸۳) ویرانگری های انجام شده در پرستشگاه های بابل و از جمله پرستشگاه زئوس که منظور وی از آن مردوک بوده، را توصیف کرده است. گزارش هرودوت حاکی است که، پیکره ای (agalma) از طلا از مردوک به صورت نشسته یک میز، یک تخت سلطنت و یک پلکان از طلا در داخل، همچنین در بیرون معبد، دو محراب دیده می شد که یکی از آن ها طلا بود و کلدانیان قربانی های خود را بر روی آن می نهادند؛ خشایارشا آن را متصرف شد و امر به از میان بردن کاهنی که دست زدن به آن را قدغن کرده بود، داد (Herodotus, ۱۸۵۹: ۲۴۹، بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۵۵-۸۵۲).

در روایتی که هرودوت (در کتاب ۱، بند ۱۸۳) از ویرانگری های انجام شده در پرستشگاه های بابل و از جمله پرستشگاه زئوس (مردوک) توصیف کرده است (Herodotus, ۱۸۵۹: ۲۴۹)، به از میان برداشتن کاهن اعظم معبد هم اشاره شده، که این موضوع نمایانگر تقابل کاهنان معبد بزرگ بابل با دربار هخامنشی بابل است و نمایانگر قرار داشتن معابد در جریان شورش بابل می باشد. بنابراین بایستی ریشه های این نارضایتی و شورش های بابل را در مخالفت های کاهنان و کارگزاران معابد بابل با حکومت هخامنشی کاوش نمود و جهت یافتن دلایل دشمنی و ستیز کاهنان و کارگزاران معابد با دربار و دستگاه حکومتی هخامنشی بایستی به دنبال سیاست ها و رفتار حکومت هخامنشی با معابد بابل بود.

براساس منابع یونانی و بابلی در پی شورش بابل، خشایارشا عناوین سلطنتی شاه بزرگ بابل را رها کرده است. در راس اجرای آیین سال نو که در معبد مردوک بابل اجرا می شد، قرار نمی گیرد و ناحیه ی بابل را از ماورای فرات

جدا کرده است (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۵۳) و همچنین براساس تفاسیری از کتیبه‌ی مشهور خشایارشا که به (پارسی، اکدی، عیلامی) در تخت جمشید و پاسارگاد یافت شده (XPh) و در آن کتیبه شاه بزرگ اظهار می‌دارد که نظم را به سرزمینی که پس از جلوس وی به تخت سلطنت شورش در آن گسترش یافته بود و گمان می‌شود، بابل بوده، بازگردانده است (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۵۲، شارپ، ۱۳۸۴: ص ۱۲۱-۱۱۸).

از این که در این کتیبه به موضوع مهم نزدیکی زمان شورش به زمان جلوس به سلطنت خشایارشا یاد شده، و این موضوع که از طریق هرودوت به زمان شورش بابل و نزدیکی آن به آغاز سلطنت خشایارشا مطلع هستیم، بی‌تردید این کتیبه خشایارشا به شورش بابل مرتبط می‌باشد. همچنین از آن‌جا که، در این کتیبه از شخص خاصی نام برده نشده است و «به برگرداندن نظم به سرزمینی که شورش در آن گسترش یافته است» اشاره شده، خود به سراسری بودن آشوب در آن سرزمین اشاره دارد و می‌توان به قرار داشتن مجموعه‌ای گسترش یافته در آن سرزمین در راس آن شورش پی برد و این موضوع که معابد و عبادتگاه‌ها در گستره‌ی جامعه حضور دارند، احتمالاً می‌تواند ما را به گمان دست داشتن معابد در شورش بابل نزدیک سازد.

به جهت آن‌که بابل از پایتخت‌های مهم هخامنشی بود و تخریب عمدی و بی‌دلیل عبادتگاه‌های آن منجر به تحریک مردم بابل به تاووم و گسترش شورش می‌شد، تصور عمدی بودن تخریب بابل و معابد آن توسط خشایارشا صحیح نمی‌باشد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۵۳). همچنین برخلاف سیاست تساهل و تسامح مذهبی، هخامنشیان بود (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۶۶-۶۹، ۲۰۱۳: ۲، Jursa). این موضوع نشانگر آن است که تعرض خشایارشا به معابد بابل ناشی از حضور معابد بابل در صدر شورش ۴۷۹ پ.م. بابل بوده است.

«از آن‌جا که هدف خشایارشا در خروج از ساردیس در تابستان ۴۷۹ پ.م. مقابله با شورش بابل و سرکوب شورشیان بابل و نه ویرانی معابد بابل بود» (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۵۴، Bedford, ۲۰۰۱: ۱۳۳). از همزمانی رخداد سرکوب شورش بابل با سرکوب کارگزاران و ویرانی معابد بابل، می‌توان احتمال ارتباط بین شورش‌های بابل با نقش معابد در تحریک مردم بابل به شورش را در نظر گرفت. هنگامی این احتمال تقویت می‌گردد که به فشارها و تحمیل‌های گسترده‌ای که از سوی دولت هخامنشی بر معابد بابل وارد می‌شده است، توجه شود.

تحلیل و بررسی فشارها و تحمیل‌هایی که از ابتدای روی کار آمدن هخامنشیان، از سوی دربار شاهنشاهی و حاکمان منصوب آن در بابل بر معابد بابل وارد می‌شد، گمان مشارکت گسترده و حضور کاهنان و کارگزاران معابد در شورش ۴۷۹ پ.م. بابل را تایید می‌نماید. اما آغاز مشکل در روابط دربار هخامنشی و معابد بابل به ابتدای حکومت

هخامنشیان بر بابل و دوران کوروش می‌رسد، که بخشی از آن مشکل به میراثی که از دوران نبونید به هخامنشیان به ارث رسیده بود و بخشی دیگر از آن به دلیل ممانعت از مزاحمت‌هایی که ممکن بود، معابد برای حاکمیت و حکومت هخامنشی و دربار بابل فراهم سازند، مربوط بوده است.

### نقش کاهنان معابد بابل، در بحران و سقوط آخرین پادشاه نوبابلی

علاقه و اعتقاد نبونید آخرین پادشاه بابل به پرستش خدای ماه معبد سین حران به جای مردوک خدای بابل و همچنین عدم حضور در مراسم مذهبی سالانه‌ی معابد بابل که بسیار مهم محسوب می‌شد، بدعتی بود که باعث گردیده بود تا نبونید در بین مردم بابل و در نظر کاهنان قدرتمند معبد مردوک، خدای بابل، از اعتبار بیفتد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۲، داندامایف، ۱۳۸۹: ص ۶۹-۵۵، هیئتس، ۱۳۸۵: ص ۱۱۷، ۳۲۵: ۱۹۸۹، Cardascia). از سوی دیگر سابقه‌ی رقابت بر سر قدرت بیش‌تر در بابل بین دربار بابل و معابد به دوران نبونید می‌رسید. از آن‌جا که در هشتمین سال سلطنت نبونید ۵۵۳ پ.م. و با هدف نظارت بر کار و فعالیت‌های معابد، تغییراتی در تشکیلات مستقل معابد، که قرن‌ها پایدار مانده بود، داده شده بود و در کنار مرجع عالی امور معابد که از رئیس «قیپو» (qipu) و کارگزار «شتمو» معبد «اثنه» تشکیل می‌شد، در کنار کارگزار معبد الهه‌ی اوروک یک «ناظر شاه و رئیس نظارت بر اثنه» نیز منصوب گردیده بود (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۲-۱۱۱، ۳۵: ۲۰۱۸، Waerzeggers & Seire)، که این نیز به دشمنی بین کاهنان معابد بابل و نبونید افزود.

همچنین سکونت نبونید در واحه‌ی تیمه در عربستان و بی‌توجهی نسبت به اوضاع سیاسی و اقتصادی بابل موجب رکود شدید اقتصاد و زندگی مردم بابل شده (هیئتس، ۱۳۸۵: ص ۱۱۷، داندامایف، ۱۳۸۹: ص ۵۵-۶۹، Bedford، ۲۰۰۱: ۱۳۳، Cardascia، ۱۹۸۹: ۳۲۵). اوضاع این شهر کهن را به سمت رکود و سقوط پیش می‌برد. و نقش معابد بابل در بحران اقتصادی منجر به سقوط نبونید و پادشاهی بابل نیز چندان بی‌تاثیر نبود. از آن‌جا که به علت تعلق وسایل تولید و اکثر چهارپایان بارکشی مورد استفاده‌ی شخم‌زدن، به زمین‌های بزرگ معابد و سودجویی، بازرگانان و مأموران عالی رتبه‌ی معابد، اجاره‌ی دام‌های کار و قیمت بذر را افزایش دادند. اغلب کشاورزان دیگر امکان و توانایی تأمین نهاده‌های کشاورزی را نداشتند. قیمت یک رأس اسب بیش از چهار پوند نقره، معادل اجرت سالیانه‌ی یک کارگر بود. وضعیت صنعتگران و کشاورزان بابلی رو به وخامت گذاشته، کشاورزان و مردم



بدهکار را به بردگی و اسارت می‌بردند (زنگی آبادی وحسینی، ۱۳۸۹: ص ۱۷، دورانت، ۱۳۳۳: ص ۱۳۰، بریان، ۱۳۷۹: ص ۱/۱۸۹، داندامایف، ۱۳۷۳: ص ۱۴۲، بریان، ۱۳۸۷: ص ۱/۶۶، ۱۹۸۴: ۳۲۰، Dandamayev).

علاوه بر سواستفاده‌ی کاهنان معابد بابل از عدم حضور نبونید در بابل جهت گران و نایاب کردن کالاها و نهاده‌های کشاورزی، موضع مخالفت شدید معابد بابل با نبونید روشن شده است. در هجوتنامه‌ی کاهنان بابلی، نبونید ساحری کافر و بنده‌ی خدای ماه معبد حران و بی‌توجه به مردوک خدای بابل و کسی که واحه‌ی تیمه در عربستان را به جای بابل به پایتختی پذیرفته، نامیده‌اند. اوضاع بابل به قدری اسفبار بود که کاهنان معابد بابل همانند یهودیان اسیر در بابل و مردمی که به خاطر فقر و بدهی به بردگی گرفته شده بودند، خواستار سقوط نبونید بودند. به جز مردم، تجار و بازرگانان بابل نیز اوضاع را غیرقابل تحمل می‌دانستند.

اخبار اوضاع نامساعد بابل چنان بود که کوروش را به گمان تصرف بابل انداخت، نیروهای مدافع شهر بابل هم مقاومت چندانی از خود نشان ندادند. بابل آسان و به سرعت فتح شد و هنگامی که کوروش در پاییز ۵۳۹ پیش از میلاد وارد بابل شد، مورد استقبال قرار گرفت (هیئتس، ۱۳۸۵: ص ۱۱۷، داندامایف، ۱۳۷۳: ص ۱۴۷-۱۴۲، داندامایف، ۱۳۸۹: ص ۷۵-۵۵، ویسهوفر، ۱۳۸۸: ص ۱۰۳-۱۰۲، ۳۴: ۱۱۷، Parker، ۲۰۱۳: ۲۰۱۳، Finkel، ۲۰۲۱، british museum، ۲۰۱۰: ۱۳۳، Bedford، ۲۰۰۱: ۳۲۵، Cardascia، ۱۹۸۹).

### کشمکش دربار و معابد، میراث پادشاهی بابل برای کوروش و جانشینانش

هنگامی که کوروش بابل را فتح نمود، نقش معابد و پرستشگاه‌های میانرودان در بین ساختارهای اقتصادی آن یعنی: الف) معابد و پرستشگاه‌ها، ب) کاخ شاهی، و ج) بنگاه‌های خصوصی، از همه پراهمیت‌تر بود، و حضور و فعالیت بنگاه‌ها خصوصی «نورسین»، آگیی و موراشو در این عرصه رقیب چندان مهمی برای معابد محسوب نمی‌شدند

(Dandamayev، ۱۹۹۶: ۱۹۶-۲۰۵، VanDriel، ۲۰۰۰: ۵-۲۳، Morris، ۱۹۸۶: ۲۲-)

۲۰۰۳: ۹۲، ۲۰۰۷: ۸۳-۸۵، ۳۲).

اما از آن‌جا که ساختار کشاورزی بابل به گونه‌ای بود که جمعیت انبوهی از کشاورزان و مردم بابل یا برای معابد بابل و در روی زمین‌های بزرگ و گسترده‌ی آن کار می‌کردند و یا برای کشت و کار اقدام به اجاره‌ی زمین از معابد بابل می‌نمودند و یا برای کشت و کار بر روی زمین‌های خود نیازمند دریافت انواع نهاده‌های کشاورزی از گاوهای کار تا بذر و امثال آن به صورت پایای پای و یا اخذ وام بودند و یا برای فروش محصول خود به معابد وابسته بودند، نمایانگر قدرت گسترده‌ی اقتصاد کشاورزی معابد بابل بود که به تاثیرگذاری فراوان اجتماعی بر مجموعه‌ی کشاورزان

وابسته به آن منجر و نقش سیاسی معابد بابل را مهم‌تر و پررنگ‌تر می‌نمود، میراث ناخوشایندی از پادشاهی بابل برای کوروش و جانشینانش بود که هرچند با کمک به ساقط نمودن پادشاهی بابل در به قدرت رسیدن هخامنشیان کمک نموده بود، اما در تداوم حاکمیت هخامنشیان بر بابل ایجاد مخاطره می‌نمود.

بنابراین کوروش که از تکرار وقایع عصر نبونید و مقابله‌ی معابد بابل با دربار هخامنشی در بابل نگران بود، تصمیم به کاهش قدرت اقتصادی معابد و ارتباط اقتصادی معابد، با مردم بابل گرفت تا از تبعات اجتماعی و سیاسی آن در بابل جلوگیری نماید. از سوی دیگر از آن‌جا که سابقه‌ی توجه بنگاه‌های خصوصی بابل به زمین‌های معابد و استفاده از آن‌ها موجود بود، زیرا که از دیرباز حاصلخیزترین و مرغوب‌ترین زمین‌ها در میان‌رودان اختصاص به معابد داشت، بنابراین این احتمال که بنگاه‌های خصوصی بابلی در تحریک و یا توجه‌دادن حاکمان هخامنشی به موضوع ایجاد رقابت بین دربار هخامنشی در بابل با معابد بابل تحریک و اقدام نموده‌اند تا از این بابت سودی حاصل ایشان شود، نیز دور از انتظار نمی‌باشد.

به دلیل آن‌که در زمانی که مردوک شاپیک زری (Marduk-šāpik-zēri) پسر «اریبا مردوک» (Eriḫa-Marduk) از گروه خانوادگی آگیبی به امور بابل می‌پرداخت؛ زمین‌های بسیاری را در «دیلبات» (Dilbat) به دست آورده بود؛ در آن شهر محل پرداخت موقوفه‌ی عواید معبد را خریداری نمود» (Spar & Waerzeggers, ۲۰۱۰: ۳/۸۳, Dassow, ۲۰۰۰: ۳/۸۳)، و بر اساس لوحه‌ای بابلی به تاریخ ۶۵۶ پ.م. نیز «بل ایکیشا» (Bēl-iqiša) از گروه خانوادگی آگیبی یک ششم از یک بخش از «هانشو» (hanšū) واقع در بین بابل و نیپور در شهر «شاتیرتو» (Šatirtu) را خریداری کرده بود (Nielsen, ۱۹۷۳: ۵۱).

#### تداوم رقابت دربار هخامنشی بابل با معابد بابل

کوروش و جانشینانش ساختار مدافع منافع دربار بابل در معابد که توسط نبونید و پسرش بلشصر ایجاد شده بود را حفظ و علاوه بر آن، به این تشکیلات «رئیس صندوق سلطنتی» در «ائنه» که رسماً مسئول اداره‌ی آن و دفاع از منافع شاه هخامنشی بود را به آن افزودند (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۲-۱۱۱، ۲۰۱۸: ۳۵، Waerzeggers & Seire). این ساختار نمایانگر این موضوع است که در دوره‌ی هخامنشی، نظارت قدرتمندتری بر معابد بابل، درآمدهای آن و اموال و اقدامات آن از سوی دربار هخامنشی اعمال می‌شده است.

«این نظارت تا جایی بود که در سال ۵۲۸ پ.م، به ابتکار گوپارو، مقاطعه‌ی جدیدی با خرید کردن مزارع جو معابد ایجاد شد» (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳-۱۱۲). تحولات انجام شده، در زمان کمبوجیه نمایانگر رقابت معبد و قدرت سلطنتی بر سر گسترش نفوذ بوده و این مبارزه را برملا می‌کند. «پس از آن نیز ایجاد مجدد مقاطعه‌ی کل در آغاز سلطنت داریوش، به نفع خادم خاص دربار «گی میلو» صورت گرفت» (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳-۱۱۲، Waerzeggers & Seire, ۲۰۱۸: ۳۶، ۱۱۲). بدیهی بود که این دخالت‌های گسترده گوپارو و دربار شاهی بابل حتی در اراضی معابد و در روش کار موجب تحریک و مقاومت کارگزاران و کاهنان معابد بابل می‌شد. بدین گونه مقدمات مخالفت‌های گسترده‌ی معابد بابل و ایجاد شورش بابل همزمان با آغاز حکومت خشایارشا شکل گرفت.

### تکالیف مالی معابد در دوران هخامنشی

در دوران کوروش و کمبوجیه تکالیف مالی جدیدی بر معابد بابل معین گردید. از آن‌جا که بخش بزرگی از درآمدهای شاهنشاهی هخامنشی از معابد بابل به دست می‌آمد، فشار مالی به معابد در دوران کوروش و کمبوجیه نسبت به قبل تشدید شده‌است. به ویژه این‌که «شاهان پارس برخلاف پادشاهان پیشین بابل به معابد بابل عشریه‌ای نمی‌پرداختند» (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳). تفاوت و تغییر اوضاع تاحدی بود که تا پیش از عصر هخامنشی اهمیت و لزوم برآورد محصول درو نشده یا چیده نشده موسوم به «ایمیتو» (imittu) که جهت محاسبه‌ی عشریه سهم معابد در تقویم کشاورزی بابل به آن نیاز بود، از چنان اهمیت بسیاری برای برخوردار بود و متعاقب آن اهمیت محاسبه‌ی عشریه‌ی بر روی محصول تا جایی بود که تا هنگامی که سهم عشریه‌ی متعلق به معابد بر روی کلیه‌ی محصولات تولید شده در بابل و بر روی همه‌ی مزارع و باغات و کشتزارها محاسبه نمی‌شد، اجازه‌ی برداشت محصول برای هیچکس وجود نداشت و همه‌ی افراد حتی پادشاه بابل نیز می‌بایستی عشریه مربوط به سهم معابد بر روی محصول-شان را به معابد پرداخت کنند (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۱، ۶۲-۶۱، Waerzeggers & Seire, ۲۰۱۸: ۳۵-۳۶، ۲۰۱۳: ۲، Jursa). اما با استقرار هخامنشیان در بابل، نه تنها هیچ عشریه‌ای از سوی دربار هخامنشی به معابد پرداخت نمی‌شد؛ بلکه برعکس معابد ملزم به پرداخت‌های سنگین به دربار هخامنشی بودند.

همچنین، از زمان کوروش علاوه بر مالیات‌های مرسوم در بابل قدیم و بر دریافت‌کنندگان زمین، همچنین مالیات‌های جدیدی بر معابد و پرستشگاه‌ها وضع شد که در زمان داریوش تدوین و منظم‌تر گردید (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۶، ۸۵-۸۳، Jursa, ۲۰۰۷: ۸۰۰، Waerzeggers, ۲۰۱۰). جهت گردآوری مجموع درآمد مالیاتی و همچنین مجموع خدمات اجباری وضع شده بر پرستشگاه‌ها و معابد بابل و میانرودان مانند: «ائنه» (ائنا) (Eanna)،

«اساگیلا» (Essagila)، «ایبر» (Ebabbar)، «ازیدا» (Ezida) و «بورسیپا» مهم‌ترین معبد بابل یعنی اساگیلا موظف بود تا این مالیات و خدمات اجباری را گردآوری نموده و به دربار شاهنشاهی پرداخت نماید. همچنین براساس الواح مکشوفه از منطقه‌ی اوروک، مالیات وضع شده بر معابد و پرستشگاه‌های میانرودان در زمان کوروش و کمبوجیه معادل ۳/۳۳ درصد از محصولات برداشت شده‌ی آن‌ها تعیین گردید (۴۳۳: ۲۰۱۱، Jursa, ۲۰۱۳: ۲، Jursa, ۲۰۱۸: ۲۳-۷۲، Waerzeggers & Seire, ۲۰۱۸: ۳۴، بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳).

از زمان داریوش دریافت «ایلکو» از پرستشگاه «اساگیلا» به نمایندگی از پرستشگاه‌های بابل توسط بنگاه آگویی صورت می‌گرفت تا موجب اطمینان حکومت از پرداخت زود هنگام مالیات‌ها به نقره به دربار، هخامنشی بابل باشد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۷۶۲-۷۶۳، ۸۴-۸۳: ۲۰۰۴، Abraham). به نظر می‌رسد که دربار هخامنشی بابل از اهمیت فشاری که بر معابد بابل وارد می‌ساخته، مطلع نبوده و یا آن را چندان زیاد نمی‌دانسته است و یا قدرت و توان اقتصادی معابد بابل را آن چنان سترگ تصور می‌نموده که تحمل این فشارهای اقتصادی را برای معابد بابل آسان می‌پنداشته است و برای نمایش حسن نیت خود نسبت به معابد بابل به گمان خود با اقداماتی چون کمک به بازسازی معابد بابل سعی در بهبود رابطه و جبران فشارهای وارده بر معابد بابل بوده است. از این رو هرچند گاه، کمک‌ها و پرداخت‌هایی جهت بازسازی به معابد، از جمله به معبد «ایبر» سپار انجام می‌داد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳)، که این اقدامات در جهت به نمایش گذاشتن مناسبات و روابط خوب بین دربار هخامنشی بابل با معابد و سیاست تساهل و تسامح مذهبی هخامنشی و کاهش تنش بین دربار و معابد بابل، صورت می‌گرفته است.

### نوع و گستردگی فشار اقتصادی دربار هخامنشی بابل بر معابد بابل

اما علاوه بر مالیات‌های سلطنتی متعدد و گوناگونی که بر معابد بابل تحمیل می‌شد، مقامات آن‌هی اوروک در اطاعت از فرامین خشترپاون اغلب ملزم به تامین و تقدیم همه نوع چیزی بودند. معابد مکلف بودند، چندین بار در سال کارگرانی را برای کار در کارگاه‌های دایر در کاخ‌های سلطنتی گسیل دارند (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳)؛ یا مصالح اینیه (چوب، آجر) را فراهم آورند. هر دستور همراه با تهدیدی برضد مسئول تحویل همراه بود «و گرنه از گوبارو کیفر خواهید دید». مطابق اسناد متعدد دوران کوروش و کمبوجیه، معابد بابل باید فرآورده‌های غذایی نیز به دربار تحویل می‌دادند. در سال ۵۳۱ پ.م. «آننه» بایست ادویه به کاخ سلطنتی «آبنو» (Abanu) تحویل می‌داد، در اجرای این فرمان، معبد ناگزیر مبالغ هنگفتی وام گرفت. در سال ۵۲۸ پ.م. طی یک دوره‌ی کوتاه، «آننه» ناگزیر شد به طور

متوالی ۲۰۰ برهه شیری و بزغاله، ۸۰ گاو پروار تحویل دهد. چند هفته پیش از آن، به مقامات معبد دستور داده بودند که ۲۰۰ بشکه‌ی آبجوی شیرین خرما برای آذوقه‌ی دربار به «آنو» حمل شود. هرچند ممکن است، این تقاضاها در این مورد خاص، به دلیل حالت فوق‌العاده صورت گرفته باشد و به علت حضور شاه و دربار در اقامتگاهی در نزدیکی «آنه» بوده باشد. اما سایر تکالیف پیوسته بر دوش پرستشگاه‌ها سنگینی می‌کرد. مثلاً می‌دانیم که در «آنه» گله‌های سلطنتی علناً به هزینه‌ی معبد تغذیه و نگهداری می‌شدند. علاوه بر آن که معابد مشمول خراج‌های جنسی بودند که از زمان داریوش، به صورت طلا و نقره، نیز دریافت می‌شد (۷۳: ۲۰۱۸، Waerzeggers & Seire) (۸۸) استفاده از خدمات کارگران و سربازان معابد به شکل بیگاری همواره رواج داشت، اسنادی نمایانگر الزام به اعزام نیروی کار و مشارکت «آنه» در احداث چند پردیس یا اقامتگاه سلطنتی درجه یک جهت دربار هخامنشی است (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۵-۱۱۳، Lipiński & Jursa، ۲۰۱۱: ۴۳۸، Waerzeggers، ۲۰۱۰: ۸۰۰، Lerberghe، ۱۹۹۵: ۱). همه‌ی این موارد نمایانگر فشار مستمر و هدفمندی است که از سوی دربار هخامنشی بر معابد بابل وارد می‌شده است.

علاوه بر مالیات‌هایی که معابد بابل موظف به تامین و پرداخت آن بودند، حتی مجبور به اعزام خدمه و کارگرانی جهت تهیه و تامین خوراک به آشپزخانه دربار، بودند (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳، Waerzeggers & Seire، ۲۰۱۸: ۱۶۵). این وظایف و مسئولیت‌های محوله به معابد و پرستشگاه‌های بابل موجب شد تا، فشار بر معابد و پرستشگاه‌ها چند برابر گردد (۲۶۵ & ۸۸: ۲۰۰۳، Stolper، ۲۰۱۱: ۴۳۴، Jursa). گرفتن کارگر، خدمه، سرباز و نگهبان و نیروی انسانی ساده یا با تخصص‌های مختلف از معابد بابل، وسیله‌ای بود که هدف از اجرای آن کاهش نیرو و خدمه‌ی خدمتکاران معابد برای کاهش توان بهره‌برداری از اراضی، مزارع و باغات، گله‌داری و بطور کلی کاهش توان اقتصادی معابد بوده است تا از قدرت و توان اقتصادی و تاثیرگذاری اجتماعی معابد کاسته گردد.

به عبارتی معابد بابل در زمان کوروش و کمبوجیه و جانشینان آنان از انجام هیچ مسئولیتی معاف نبودند. بر اساس الواحی، از دوران کوروش و کمبوجیه، «آنه» ناچار بود، برای حفظ امنیت، گله‌های وابسته به تشکیلات دربار که به چراگاه‌های دوردست گسیل می‌شدند، سربازانی در اختیار تشکیلات اداری سلطنتی قرار دهد. همچنین در زمان هخامنشیان معابد نیز مشمول سپاه‌گیری گردیده، کمانداری را سپاه‌گیری و تجهیز می‌کرد که مسئول نگهبانی در قرارگاه‌های دیده‌بانی بوده و به طور منظم در سپاه سلطنتی نیز خدمت می‌کردند (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۳). حتی «آنه‌ی اوروک» ملزم به «بیگاری» (خدمت اوراشو) (Urašū) و مسئول عملکرد درست کانال‌هایی که اراضی

پرستشگاه‌ها و زمین‌های مرتبط به آن را مشروب می‌کرد، بودند(بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۴). اجبار معابد به تامین سرباز و تجهیز کمانداران و استفاده از آن در سپاه‌گیری، نمایانگر هدف دربار هخامنشی در تضعیف عمدی قدرت و توانایی‌های انتظامی معابد بابل بود. علاوه بر آن به نظر می‌رسد که هدف مهم‌تر آن بود که تا از این طریق فرمانبرداری و یا اطاعت معابد از دربار بابل در بین ایشان نهادینه شود.

### کاهش توان اقتصادی و گستره‌ی حضور معابد در بخش کشاورزی بابل

حوزه یا گستره‌ی فعالیت‌های بنگاه آگویی تنها به حوزه‌ی زمین‌های شاهی و زمین‌های بزرگان خلاصه نمی‌شد، بلکه در کنار این فعالیت آن‌ها زمین‌های پرستشگاه‌ها را نیز اجاره می‌کردند و اجاره‌بها را نه به معبد بلکه به دربار هخامنشی و تحت عنوان مالیات (ایلکو) به شاه پرداخت می‌نمودند(بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۶، ۸۵-۸۳: ۲۰۰۷، Jursa). این موضوع که معابد بابل مجبور به واگذاری زمین‌های خود جهت بهره‌برداری به بنگاه آگویی شده بودند، به این مفهوم می‌باشد که یا معابد، همانند صاحبان زمین‌های واگذار شده در ساختار «خطرو»، به علت عدم توانایی مالی مجبور به اخذ وام از بنگاه آگویی جهت پرداخت مالیات محوله‌ی به خود به دولت هخامنشی بوده‌اند و به این دلیل مجبور به واگذاری زمین‌های وابسته به معبد جهت بازپرداخت دیون و وام دریافتی به بنگاه آگویی شده‌اند و یا از سوی دیگر احتمالاً خود این معابد، امکان به زیر کشت و کار بردن این زمین‌ها را نداشته‌اند که نمایانگر تضعیف اقتصادی و مالی و امکانات معابد در استفاده از زمین‌ها است. درحالی‌که تا پیش از عصر هخامنشی معابد بابل از آن‌چنان منابع نیروی انسانی و دام‌های کار و دیگر نهاده‌های کشاورزی برخوردار بودند که خود اقدام به وام‌دهی آن به کشاورزان و بهره‌برداران می‌نمودند. اکنون به علت تحلیل رفتن منابع‌شان حتی از توانایی بهره‌برداری از زمین‌های خود محروم شده‌اند که این موضوعات در هر صورت نشان از ضعف و بحران در درآمد و اقتصاد معابد بابل می‌باشد.

### درگیری دربار هخامنشی و معابد بابل

بیش‌تر الواح بدست آمده از بایگانی معابد و پرستشگاه‌های بابل در عصر هخامنشی به روابط «گوبارو» با مقامات آن‌ها اشاره دارد. این موضوع بخصوص در مورد «ائنه اوروک» که وقف الهه‌ی «اینانا- ایشتار» (Inānā-Ištar)، «بانوی اوروک» شده بود، صادق است. این اسناد نشان می‌دهد که گوبارو، خشریایون بابل در موارد و براساس مقتضیات گوناگون به دخالت می‌پرداخته است(بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۱، Waerzeggers & Jursa, ۲۰۱۳: ۲، Seire, ۲۰۱۸: ۸&۳۶).

مقاطعهداری کل، ساختاری ضامن دخالت‌های فراوان گوباروی خشترپاون بود که به طور مستقیم یا از طریق ناظر شاه در «اَنته» برنامه‌های خود را عملی می‌نمود. گوبارو، ضامن اجرای قراردادهای مقاطعه‌ای به شمار می‌آمد که در حضور «ناظر شاه، رئیس نظارت بر «اَنته» منعقد می‌شد، یعنی گوبارو ملزم بود، بر اجرای دقیق تعهداتی که بر عهده‌ی مقاطعه‌داران کل بود، نظارت کند. ناظر شاه در اوروک معمولاً هر نوع کلاهبرداری و تخلفی در اجرا و تامین منافع شاه و دربار را به اوروک احضار می‌کرد. در سال ۵۲۶ خشترپاون اخطار زیر را برای «اردیه»، مقاطعه‌دار کل خرما فرستاد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۲۰۱۸:۳۶، ۱۱۴). (Waezeggars & Seire).

پیش از پایان کیسلیم چهارمین سال کمبوجیه، شاه بابل، شاه سرزمین‌ها، «اردیه»، پسر «نبون اخعی»، خلف «رموت ائه» (Rēmūt - Ea)، مقاطعه‌دار کل خرماهای ایشتر اوروک، ۵۰۰۰ بار خوشه‌ی نخل را خواهد آورد و آن‌ها را به کاخ شاه که بر فراز «اَنته» است، به «نبو اخ ایدین» ناظر شاه و رئیس نظارت بر «اَنته» خواهد داد. اگر آن‌ها را نیاورد، تقصیر خود را در برابر گوبارو فرمانروای بابل و ماورای شط خواهد سنجید (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۴). از دخالت‌ها و فرامین گوباروی خشترپاون در مورد اموال و کشت و کار و دارایی‌های معابد بابل بنظر می‌رسد که دربار هخامنشی بابل خود را صاحب و یا شریک و یا به نوعی قیم معابد بابل محسوب می‌نموده است.

گوبارو در مسائل و دعوای مختلف از امور آبیاری تا کشمکش‌هایی که بین رئیس «اَنته» و مقامات شهر اوروک بود، دخالت می‌کرد. مخالفان و متخلفان با تصمیماتی که کارگزار معبد و ناظر شاه اتخاذ می‌نمود، تهدید به حضور در برابر گوبارو می‌شده‌اند. الواح نمایانگر آن است که کيفرهایی که گوبارو و زیردستان وی مقرر کرده‌اند، با قدرت اجرا می‌شده است (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۵-۱۱۴، ۱۹۸۵:۵۵، ۱۱۴). (Waezeggars & Seire, Stolper, ۱۹۸۵:۵۵، ۱۱۴). بی‌تردید فشارها و کيفرها و یا تنبیهات دربار بابل برضد معابد و کارگزاران آن موجب خشم و بی‌اعتمادی معابد نسبت به دربار هخامنشی بابل شده است.

همچنین ارزیابی اسناد و الواح مکشوفه نمایانگر آن است که تشکیلات اداری گوبارو در موارد متعدد مانند دادگاه استیناف عمل می‌کرد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۵). هدف از این دخالت‌ها کاهش قدرت اقتصادی و تاثیرگذاری اجتماعی معابد بود. اما مسلماً تأثیر دخالت‌های فراوان گوباروی خشترپاون باعث تحریک معابد به مقاومت در مقابل این دخالت‌ها می‌شد و این فشارها زمینه‌سازی بروز نا آرامی در آینده‌ی بابل می‌شد.

از سوی دیگر خارج کردن معابد بابل از ساختار اقتصادی بابل، باعث بازماندن اقتصاد کشاورزی بابل می‌شد. بنابراین، از آن‌جا که اهمیت کشاورزی در تمدن بابل بسیار زیاد بوده و با کاهش نقش معابد در آن، نیاز به جایگزینی

در اقتصاد کشاورزی بابل بود، بنگاه‌های خصوصی اعتبار کشاورزی از سوی هخامنشیان به این خدمت گمارده شدند.

### نقش معابد و بنگاه‌های خصوصی در اقتصاد کشاورزی و تمدن بابل

از آن‌جا که حیات و تمدن بابل به کشت غلات وابسته بود (هرودوت، ۱۳۳۶: ۱/ص ۲۶۹-۲۶۸، مک‌ایودی، ۱۳۶۷: ص ۸۷، لسترینج، ۱۳۹۰: ص ۲۶، هرودوت، ۱۳۸۹: ۱/ص ۱۹۲، ۲۷: ۲۰۱۴، Waters, بریان، ۱۳۷۹: ۱/ص ۸۰۱) و عمده‌ترین محصول بابل، جو بود که در املاک وسیع موقوفه‌ی پرستشگاه‌ها کشت می‌شد و قیمت آن براساس زمان و مکان برداشت، کاهش و افزایش می‌یافت (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۱، سامی، ۱۳۸۹: ۲/ص ۱۴۶). به جز زمینداران بزرگ و کوچک صاحب امکانات کشاورزی، انبوهی از کشاورزان بی‌زمین، مطابق قانون و عرف مرسوم بابل با تهیه‌ی سندی مکتوب که نام مالک، مستأجر و مال‌الاجاره و خصوصیات آن قید می‌شد (شی‌یرا، ۱۳۷۵: ص ۱۰۱، فرای، ۱۳۷۳: ص ۱۷۰، ۳۶: ۲۰۱۹، Cotterell, فرخ، ۱۳۹۰: ص ۱۰۵، نجفی ابرندآبادی و بادامچی، ۱۳۸۳: ص ۶۴)، قرارداد اجاره‌ای با دربار، معابد و یا افراد متمول صاحب این امکانات، می‌بستند و زمین و مقداری بذر در اختیار کشاورزان بی‌زمین قرار داده می‌شد و از آن‌جا که کشت و کار به پنج عامل زمین، بذر، گاو، آب و نیروی کار بستگی داشت، محصول برداشت شده به پنج سهم تقسیم می‌شد (کنخ، ۱۳۸۰: ص ۳۱۸-۳۱۶، Boscawen et al., ۱۸۷۸: ۶).

به دلیل اهمیت کشاورزی در تمدن و اقتصاد بابل (ممینی و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۲۶۶)، معابد بابل بخش مهمی از آن را در اختیار خود گرفته بودند. همچنین تامین بخش مهمی از وام، بذر و گاوهای کار برای کشاورزان بابلی، برعهده‌ی معابد بود، برای نمایش تعلق حیوانات و غلامان به معابد آن‌ها را با علامت‌گذاری، مثل ستاره معبد «ایشتار» در شهر «اوروک» مشخص می‌کردند (بریان، ۱۳۷۹: ۱/ص ۱۸۹، گزنفون، ۱۳۹۰: ص ۱۶۴، زنگی‌آبادی و حسینی، ۱۳۸۹: ص ۱۸، بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۱). براساس الواح بایگانی‌های متعلق به سده‌ی هفتم پیش از میلاد اوروک، بابل و «نیپور» و با تضعیف قدرت اقتصادی معابد بابل در عصر «کاندالانو» (۶۴۷-۶۲۶ پ.م.) زمینه برای حضور و فعالیت خاندان‌های ثروتمند بابل بدون مزاحمت‌های معابد بابل در شهرهای بابل، «لارسا»، «بورسیپا» و نیپور فراهم شد. خاندان‌های متعددی در بابل با ایجاد تجارتخانه‌هایی اقدام به بازرگانی، تجارت و وام‌دادن اقلام و نهاده‌های کشاورزی، وام و گاوهای کار و بذر مرغوب به صورت پایاپای با سود و بهره‌ی بالا نمودند، از جمله‌ی این خاندان‌ها، آگیبی



(Egibi)، موراشو (Murašu)، «مالائو» (Malāu) و «شومولیشی» (šumu-libši) بودند (۹: ۲۰۰۴، Abraham، ۲۰۱۱: ۵۸، Nielsen، ۱۹۹۹: ۳۹۵، Wunsch). این بنگاه‌ها با تهیه‌ی سندی مکتوب و اخذ گروگانی مانند خانه، زمین یا برده در صورت دیرکرد اصل و بهره‌ی وام، جریمه‌ی سختی به آن افزوده و وثیقه را نیز به نفع بنگاه ضبط می‌نمودند (۳۸۱: ۲۰۱۶، DeMieroop، بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۱-۱۰۸، کخ، ۱۳۸۰: ص ۳۱۹)، اقدام به وام‌دادن نهاده‌های کشاورزی می‌نمودند.

براساس الواح بایگانی‌های کشف شده آغاز کار بنگاه آگیبی و شرکاء به سده‌ی هفتم پ.م. می‌رسد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۰) از زمان «نیوکدنصر دوم» (نیوکدنصر دوم یا نبوکدنزر) فعالیت داشته‌است. از ۶۰۵ تا ۵۶۲ پ.م. در طی یک دوره‌ی ۱۲۰ ساله، پنج نسل خاندان آگیبی به امور مختلف تجاری، کشاورزی، تیول‌داری نظامی و اخذ مالیات و امور مختلف می‌پرداختند. بنگاه معروف به «موراشو» (بریان، ۱۳۷۹: ۱/ص ۱۰۰۹) یا «موراشو» (کخ، ۱۳۸۰: ص ۳۱۹) و یا «موراگو» (Muragu) (Poser، ۲۰۱۲: ۲۳۵) نیز با درک اهمیت و نیاز کشاورزان به گاوهای شخم‌زنی تأسیس و موقعیت خوبی برای خود فراهم نمود. در عصر هخامنشی نیز این خاندان‌ها فعالیت‌های تجارتخانه‌ی خود را در مناطق وسیعی از بابل قدیم تا نواحی وسیعی از ایلام، همدان و پارس گسترش دادند. همچنین بنگاه «آگیبی و پسران» در طول فعالیت خود با بنگاه «موراشو و پسران» مرتبط و تمام قدرت مالی منطقه را در اختیار خود گرفته بودند (بریان، ۱۳۷۹: ۱/ص ۱۰۰۹، کخ، ۱۳۸۰: ص ۳۱۹-۲۱۵، Lukonin & Dandamaev، ۲۰۰۴: ۲۱۶-۱۹-۲۰۰۱: Baker، ۱۸۸۹: ۲۷-۲۹، Pinches، ۲۱۶، ۱۱-۹: ۲۰۰۴، Abraham، ۲۰۰۳: ۸۵، Leick، ۲۰۰۳: ۵۷۳، Kuhrt، ۲۰۰۳: ۷۲، Zadok، ۲۰: ۱۹۷۶).

### بنگاه اعتباری خصوصی آگیبی

براساس الواح بایگانی آگیبی، مهم‌ترین حوزه‌ی فعالیت بنگاه آگیبی علاوه بر اجاره‌داری زمین‌های کشاورزی و واگذاری آن‌ها جهت بهره‌برداری به دیگران، شامل تجارت و دادوستد انواع تولیدات کشاورزی از غلات، جو، پیاز، خرما، پشم و خرید آن‌ها از مناطق روستایی اطراف بابل تا حمل و نقل، انبارداری و فروش آن‌ها، همچنین خرید و فروش انواع تولیدات کارگاه‌های صنعتی بابل تا اعطای وام‌های کشاورزی و واسطه‌گری می‌شد (۹-۱۱: ۲۰۰۴، Abraham، ۲۳۶&۲۳۴&۲۳: ۲۰۰۷، Wunsch، ۲۰۱۱: ۵۰، Nielsen، ۶۶: ۲۰۰۵، Jursa، ۲۰۰۳: ۱۱۰، Kuhrt). فعالیت‌های بنگاه آگیبی، در زمان سرپرستی، «نبو ایه ایدین» (Nabû ahhe iddin) نواده‌ی آگیبی که هم‌زمان با بخش‌هایی از دوران پادشاهی نبوکدنصر، «مروداک»، «نریگیلسر» و نبونید

(نبونیدوس) بود، توسعه و گسترش بیش‌تری یافت. (Wunsch, ۱۹۹۹, Holtz, ۲۰۰۹, Wunsch, ۲۰۰۷).  
(۱۹۸۹, Cardascia, ۴۱۱): (Roth, ۱۹۹۱, Cardascia, ۱۹۵۱):  
(Wunsch, ۲۰۰۷, Waerzeggers, ۱۹۹۷).

### آغاز همکاری دربار هخامنشی با بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی بابل

در ابتدای تصرف بابل که کوروش جهت جلب رضایت کاهنان، کارگزاران معابد و مردم بابل، اقدام به بازسازی معابد بابل و دیگر شهرهای میان‌رودان می‌نمود. شواهدی نمایانگر همکاری و مشارکت تجارتخانه‌ی آگیبی در تهیه و تامین نیازهای تدارکاتی و خواروبار مورد نیاز کارگران، هنرمندان و صنعتگران مشغول به فعالیت در این پروژه‌ها می‌باشد (Jursa, ۲۰۰۷: ۷۲-۷۸). این موضوع موجب آشنایی و اعتماد هخامنشیان به بنگاه آگیبی بابل شد.

باتوجه به اسناد باقی مانده «ایتی مردوک بلاتو» فعال‌ترین عضو خاندان آگیبی در میان پنج نسل این خاندان که در ایجاد و اداره‌ی این بنگاه فعالیت می‌نمودند، بود (Wunsch, ۱۹۹۹: ۳۹۳, Wunsch, ۱۹۷۶: ۷۲, Zadok, ۲۰۰۷: ۲۳۷). شاید این موضوع به دلیل همزمانی حاکمیت وی بر این بنگاه و خاندان از سال پنجم تا هفدهم حکومت نوینید پادشاه بابل، دوران سقوط بابل و فتح آن توسط پارس‌ها و آغاز دوران حکومت هخامنشیان بر بابل یا عصر کوروش (یعنی ۹ سال از آخرین سال‌های زمامداری کوروش)، (۶ سال از دوران حکومت) کمبوجیه، دوران حکومت بردیا (سمر دیس) یا گئوماته‌ی مغ (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۸۲) و بخشی از دوران حکومت داریوش بود. احتمالاً با چنین سابقه‌ی حضور «ایتی مردوک بلاتو» در بین سال‌های حکومت نوینید آخرین امپراتور بابل و آغاز عصر هخامنشی و کوروش بتوان تلاش‌های وی در جلب نظر پارس‌ها و هخامنشیان در تداوم به کار این بنگاه و سایر بنگاه‌های خصوصی اعتبار کشاورزی بابل را مهم ارزیابی نمود. (بریان، ۱۳۸۷: ص ۱۱۲-۱۱۰، کوک، ۱۳۸۴: ص ۱۶۴-۱۶۳، ۱۹۷۶: ۶۶, Zadok, ۲۰۱۰: ۴۹-۵۰, Wunsch, ۲۰۰۷: ۸۵, Jursa, ۲۰۰۷: ۸۰, Waerzeggers, ۲۰۱۰: ۳۰۸-۳۰۹, Stolper, ۱۹۸۴: ۷۹).

براساس اسنادی از بایگانی آگیبی، «ایتی مردوک بلاتو» سرپرست بنگاه آگیبی از هنگام ورود پارس‌ها به بابل با تامین نیازهای خواروبار سپاهیان هخامنشی به جلب نظر و همکاری با آن‌ها پرداخته است (اوستند، ۱۳۸۳: ص- ۲۶ و ۱۰۷، داندامایف، ۱۳۹۱: ص ۲۳-۲۲، ۲۰۰۰: ۳/۸۳, Spar & Dassow, ۲۰۱۶: ۳۸۸, Wunsch, ۲۰۰۷: ۲۳۷, DeMieroop, ۲۰۱۶). این اعتمادسازی موجب شد تا، کوروش از این بنگاه برای احیای اقتصادی و گسترش تجارت بابل استفاده نماید.

الواح بایگانی آگیبی بابل حاکی است که در تداوم این همکاری و طی سال‌های ۵۳۷ پیش از میلاد و پس از آن در دوران پادشاهی کوروش، کمبوجیه و بردیا نماینده‌ی اصلی بنگاه آگیبی به نام «ایتی مردوک بالاتو» در اکباتان دادوستد و وام پرداخت شده، در بابل را به صورت خرما و به نرخ روز بابل باز پرداخت نموده، همچنین بنگاه آگیبی در پارس، منطقه‌ی «خوملشو» شهر «متزیش» در نزدیکی پرسپولیس به تجارت سرگرم بوده است (بریان، ۱۳۷۹: ۱/ص ۱۸۹-۱۸۸، بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۱-۱۱۰) و با درگذشت وی و در سی و دومین سال پادشاهی داریوش، پسر «مردوک ناصر اپلی» به نام «نیدیتی بل» (Nidinti Bel) رهبری خاندان آگیبی و بنگاه آگیبی را برعهده گرفت. وی پنجمین نسل از خاندان و بنیانگذاران بنگاه آگیبی بود. در طی این دوران که همزمان با حکومت داریوش بود، بین-النهرین به انبار غله‌ی امپراتوری ایران تبدیل، بابل یا بایروش کبیبه‌های داریوش، ثروتمندترین و زیباترین ایالات ایران شده، مالیاتی در حدود ۱۰۰۰ تالان نقره (چهارماه آذوقه‌ی دستگاه شاهی) در سال، به دولت هخامنشی پرداخت می‌نمود (هرمان، ۱۳۷۳: ص ۲، سامی، ۱۳۸۹: ۲/ص ۱۶۵، شارپ، ۱۳۸۴: ص ۳۳، هرودوت، ۱۳۸۶: ص ۲۳۳ و ۹۴، بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۶۰۸). در این زمان سرپرستان بنگاه آگیبی با توسعه‌ی تجارت به مقامات مهمی در بابل تبدیل شده بودند (De Mieroop, ۲۰۱۶: ۳۸۸) و اعتماد پادشاه و دربار هخامنشی را به خود جلب و مقدمات ایجاد ساختار «خطرو» یا بهره‌برداری از زمین‌های وابسته به دربار را فراهم نمودند.

### احیای خطرو، کاهش نقش معابد در اقتصاد کشاورزی بابل

با فتح بابل، به سبب آن‌که در عصر هخامنشی، زمین و مالیات منبع اصلی درآمد شاهنشاهی بود، امکان استفاده از تقسیم زمین جهت تامین نیازهای درآمدی حکومتی هخامنشیان مطرح گردید (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۹۲۲ و ۱۱۷-۱۱۵، وردنبوخ، ۱۳۸۸: ۶/ص ۳۴۶-۳۴۵، ۸۸-۹۰: Leick, ۲۰۰۳: ۲۱-۱۳، Dandamayev, ۱۹۹۲). از آن‌جا که پیشینه‌ی بهره‌برداری از زمین‌های اهدایی شاه بابل جهت مصارف خاص، از گذشته‌های دور در بابل موجود بود و از زمان حکومت حمورابی اصطلاح بابلی «ایلخو» یا «ایلکو» (ilku-ilku)، به معنای بهره یا سهم دریافتی حکومت از زمینی بود که از سوی شاه به زیردستان وفادارش داده می‌شد (Cardascia, ۱۹۵۸: ۹۷-۹۰، Joannès, ۱۹۸۲: ۳۸-۴۰، Pfeiffer, ۱۹۲۲: ۶۶-۶۸، Johns, ۱۹۰۴: ۱۱۰ & ۳۱۶-۳۱۷، Stolper, ۲۰۰۴: ۷۳۲، Jursa, ۲۰۰۷: ۸۳). اسناد دیگری مکشوفه از اوروک در جنوب بابل، نمایانگر آن است که از این روش با نام یا واژه «خطرو» در زمان نویند شاه بابل نیز استفاده می‌شده است (Stolper, ۲۰۰۴: ۷۳۲، Jursa, ۲۰۰۷: ۸۳). Dandamayev, ۱۹۹۲: ۱۷) زمینه‌ی استفاده‌ی مجدد از پرداخت مالیات یا خدمات در مقابل دریافت زمین

برای کوروش و جانشینانش فراهم بود (Abraham, ۲۰۰۴: ۶۶-۶۸, Jursa, ۲۰۱۱: ۹&۴۳۷&۴۳۹). مجموعه‌ی الواح بایگانی آگیبی بابل نمایانگر آن است که از همان ابتدای ورود هخامنشیان به بابل و در دوران کوروش و کمبوجیه از این سیستم بهره‌گیری می‌شده (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۵، گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲/ص ۴۵۷، وردنبوخ، ۱۳۸۸: ۳/ص ۳۴۵-۳۴۷، ۱۹۹۲: ۱۸، Dandamayev, ۲۰۰۳: ۶۹۵، Kuhrt, ۲۰۱۱: ۹&۴۳۵-۴۳۹, Jursa, ۲۰۱۱: ۹&۴۳۵-۴۳۹). شواهد حاکی از آن است که خطرو در دوران هخامنشی به شکوفایی رسید.

#### خطرو، بهره‌برداری نظامی از زمین‌های وابسته به دربار

پس از فتح بابل، هخامنشیان، با تقسیم، زمین‌های کشاورزی بابل که به تاج و تخت اختصاص داشت، در بین شاهزادگان، اشراف، درباریان و سربازان، کنترل و بهره‌برداری از آنها را جهت مصارف نظامی و در ساختار خطرو توسعه دادند (وردنبوخ، ۱۳۸۸: ۳/ص ۳۴۴-۳۴۷&۱۱۶-۱۱۷، ۱۹۹۲: ۱۶&۱۱۶-۱۱۷, Dandamayev, ۱۹۹۲: ۱۶&۱۱۶-۱۱۷, Jursa, ۲۰۱۰: a, ۷۵۸, Dandamayev, ۱۹۹۲: ۱۶&۱۱۶-۱۱۷). دریافت‌کنندگان زمین‌های واگذار شده علاوه بر وظیفه‌ی تامین تدارکات نظامی مسئول پرداخت تعهداتی به شکل جنسی و عنوان هدیه به دربار هخامنشی بودند (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۷۶۳). همچنین علاوه بر شاهزادگان، اشراف، درباریان و سربازان، بخشی از، زمین‌ها، باغات، مزارع و کشتزارهای مناطق تصرف شده بین افراد و گروه‌هایی از مهاجران و مردم بابل تقسیم و بهره‌برداری از این زمین‌ها به آنها واگذار شده، دریافت‌کنندگان در مقابل ملزم به ارائه‌ی مالیات، نیروی کار یا نظامی بودند (Jursa, ۲۰۱۱: ۴۳۷-۴۳۸).

براساس مدارکی از آئاتولی و بابل، جهت جلب نظر سربازان سواره‌ی هر منطقه در ازای خدمت در ارتش هخامنشی زمینی اهدا می‌شد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۷-۱۱۶) و چون این سربازان خود امکان بهره‌برداری از این زمین‌ها را نداشتند، لذا این زمین‌ها را در اختیار بنگاه‌هایی نظیر آگیبی و موراشو قرارداد، در ازای آن، اجاره‌بهایی مناسب دریافت می‌نمودند (Wunsch, ۲۰۱۰: ۴۸, Jursa, ۲۰۱۰: a, ۷۶۶-۷۶۷).

همچنین براساس مجموعه الواح بایگانی آگیبی گروه‌هایی از مردم در زمان کوروش و مباشرت «گوبارو» به عنوان بهره‌برداران از سیستم «خطرو» اشاره شده است. بر مبنای لوحی متعلق به ۵۲۹ پ.م. بایگانی آگیبی، به مهاجران اسکان یافته در «هندید» در حومه‌ی «سپیار» همچنین به گروهی از مجمع مهاجران در زمان کمبوجیه که زمین خود را در ازای مبلغی به خاندان آگیبی اجاره داده‌اند و به مهاجران مصری اشاره دارد. همچنین قلمروهایی در نزدیکی اوروک متعلق به پارسیان مهاجر بوده و الواح دیگری اشاره به استقرار «کاریائیان‌ها» در دوره‌ی کمبوجیه دارد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۱۱۶-۱۱۵، ۹۲&۶۲-۶۲، ۲۱-۲۱، ۱۹۹۲: ۱۸-۲۱, Dandamayev, ۱۹۹۲: ۱۸-۲۱).

این الواح نمایانگر تحولی عمیق و گسترده در ساختار کشاورزی بابل بود. از آنجا که طیف بسیار وسیعی از اشراف، نظامیان، ساکنان بابل و حتی مهاجران به بابل در ساختار کشاورزی بابل به فعالیت می‌پرداختند و این بار این جمعیت بزرگ از کشاورزان دیگر نه در ارتباط با معابد بابل بلکه در خدمت دربار بابل و شاه بودند. این موضوع که نقش معابد بابل را در اقتصاد کشاورزی بابل به پایین‌ترین حد رسانده بود، بی‌شک موجب رشک و حسادت و خشم کاهنان معابد بابل می‌شده است. بزودی این خشم انباشته شده‌ی کاهنان و کارگزاران معابد، با پایان زمامداری داریوش و آغاز سلطنت خشایارشا و انتظاری که از روی کار آمدن شاه جدید و کم تجربه بود، به شروع نا آرامی و شورش در بابل منجر خواهد شد.

### نقش بنگاه‌های اعتباری آگیبی و مورشو در توسعه و بهره‌برداری از خطوط

یکی از مهم‌ترین اشکالات در ساختار خطوط آن بود که زمین واگذار شده، قابل خرید و فروش و انتقال به دیگری نبوده، بنابراین سرمایه‌ای واقعی برای خانواده دریافت کننده محسوب نمی‌شد و خانواده‌ای که آن را دریافت می‌کرد، به ازای استفاده از زمین ملزم به انجام خدمت نظامی و پرداخت مالیات سالانه بود. از آنجا که در دوران صلح نیاز زیادی به سرباز نبود، بنابراین تعهد خدمت نظامی اغلب به تعهد پرداخت مالی تبدیل می‌شد، همچنین این تعهد مالی نیز به شکل تهیه‌ی ملزومات و امکانات سربازان تغییر می‌یافت (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۷۶۲-۷۶۱ و ۱۱۶). اغلب، به علت عدم توان و تخصص دریافت‌کنندگان زمین‌ها، چون نظامیان، اشراف، وابستگان درباری و زمینداران بزرگی که در آن سکونت نداشتند، در بهره‌برداری از اراضی واگذاری، زمین‌ها را می‌شد و بنگاه‌های اعتباری کشاورزی بابلی، اقدام به اجاره و کشت‌وکار بر روی زمین‌های ایشان می‌نمودند و سود حاصله را به صاحبانشان پرداخت می‌نمودند. اندکی بعد این موضوع به روالی عادی بدل گشت و با سواستفاده از خطوط، افراد و خانواده‌های دریافت‌کننده زمین می‌توانستند، بدون آن‌که خود به بهره‌برداری از زمین دریافتی بپردازند، زمین دریافتی خود را به بنگاه‌های اعتباری کشاورزی آگیبی واگذار نمایند و از بنگاه فقط درخواست سود خالص حاصل از واگذاری بهره‌برداری را طلب نمایند. در این صورت بنگاه آگیبی کلیه‌ی وظایف از جمله یافتن بهره‌بردار، از زمین، برداشت محصول، فروش محصول در بازار، محاسبه و تعیین سهم بهره‌بردار و سهم آگیبی، سهم دربار و مالیات و حتی سهم صاحب زمین را تعیین و محاسبه نموده و سود خالص زمین را به صاحب زمین پرداخت می‌نمود. این موضوع که دریافت‌کننده‌ی زمین خطوط می‌توانست به وسیله‌ی بنگاه آگیبی، بدون هیچ زحمتی تنها با واگذاری زمین خطروی خود، سود دریافت

کند، موجب شده بود تا خطرو موجب سود و درآمد بادآورده برای عده‌ی زیادی شود. مسلم بود کسانی که زمین‌های وسیع‌تری دریافت کرده بودند، سود بسیار بیشتری دریافت می‌نمودند.

تبدیل زمینی که در ازای تعهد خدمت نظامی دریافت شده بود، به تعهد پرداخت مالی و واگذاری زمین به بنگاه‌های آگویی و راحت‌طلبی ناشی از واگذاری همه‌ی وظایف به بنگاه آگویی و دریافت سود خالص از بنگاه آگویی، موجب شده بود تا در هنگام نیاز به ارائه وظیفه‌ی تعهد خدمت نظامی در جریان شورش بابل دوره‌ی خشایارشا، دریافت‌کنندگان زمین از انجام وظیفه نظامی شانه خالی نمایند که این امر موجب خشم خشایارشا از دریافت‌کنندگان زمین، خطرو و بنگاه آگویی که موجب سودجویی و رفاه‌طلبی بخصوص دریافت‌کنندگان زمین‌های وسیع تر شده بود، گردید.

### **پایان کار خطرو و بنگاه اعتباری آگویی بابل**

خطروی بابل عصر رونق و شکوفایی بنگاه‌های اعتباری خصوصی بابلی چون آگویی بود، از پایان یکباره‌ی تداوم ثبت اسناد در بایگانی تجارتخانه‌ی آگویی در بابل، می‌توان به پایان کار تجارتخانه آگویی توجه و اذعان نمود و از هم‌زمانی سرکوب شورش کاهنان و کارگزاران معابد و مردم بابل با پایان کار بنگاه‌های اعتباری آگویی می‌توان به ارتباط شورش بابل با نقش و عملکرد بنگاه‌های اعتباری بابلی و خطروی بابل در این ارتباط پی‌برد. هنگامی احتمال این ارتباط قوت می‌گیرد که به ساختار خطرو که از سوی دولت هخامنشی و با مشارکت تجارتخانه‌ی آگویی و برای کاهش تسلط معابد بر ساختار کشاورزی بابل و تاثیرگذاری بر کشاورزان و مردم بابلی همکار با معابد بابل ایجاد شده بود، توجه گردد و همچنین به نقشی که از این طریق برای تامین منابع مالی و تدارکاتی و انسانی برای ارتش هخامنشی در بابل در نظر گرفته شده بود، توجه شود.

اگر به بی‌اثری همه‌ی این ترتیبات در ممانعت از بروز شورش بابل که شامل خطرو، بنگاه‌های اعتباری خصوصی کشاورزی و محدودسازی اقتصادی، اجتماعی معابد بابل بود، دقت و به این موضوع که ساختاری به گستردگی و پیچیدگی خطرو (۱۰-۲۰۹:۲۰۱۳، Jursa, ۲۰۱۸، Waerzeggers & Seire، شاه نظری و همکاران، ۱۴۰۰، ص: ۱۲۱) نیز نتوانست، نیرو و تدارکات برای ارتش خشایارشا در طی سرکوب شورش سال ۴۷۹ پ.م. بابل فراهم آورد؛ توجه گردد. این دلایل خود می‌توانست، خشم خشایارشا را علاوه بر شورشیان و معابد از مجریان ساختار

خطرو که عملاً هیچ طرفی از آن بسته نشده بود، برانگیخته موجب انحلال خطرو و سرکوب مجریان خطروی بابل یعنی تجارتخانه‌ی آگیبی بابل نیز شود.

براساس اسناد بنگاه آگیبی فعالیت این بنگاه تا سال ۴۸۲ یا ۴۸۰ پیش از میلاد یعنی تا اوایل پادشاهی خشایارشا (۴۸۶ تا ۴۶۵ پ.م.) یعنی سالی که «شمش اریب» (Šamaš erība) در بابل شورش نمود (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۳۹)، تداوم یافته است. شواهد و الواح باقی مانده از بایگانی آگیبی بابل نیز این موضوع را تایید می‌کند. براساس ۱۷۰۰ لوح باقی مانده از مجموع چهار هزار لوح مکشوفه از خانه‌های تاریخی بابل قدیم مربوط به عصر «نوبالی» و دوران هخامنشی تجارتخانه آگیبی در حوالی سال ۶۹۰ پیش از میلاد توسط «اگی بَ تَی لَ» (Egi Ba Ti La) پایه‌گذاری شده و در طی دوران پنج نسل از آگیبی‌ها تا حوالی سال ۴۸۰ پیش از میلاد به فعالیت خود ادامه داد. در دوره‌ی سرپرستی «نیدیستی بل» معاصر با خشایارشا فعالیت آن خاتمه یافت (گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲/ص ۴۵۴-۴۵۳، او مستد، ۱۳۸۳: ص ۱۰۳-۷۲، Zadok, ۱۹۷۶: ۹-۱۱, Abraham, ۲۰۰۴: ۱۹, Baker, ۲۰۰۱: ۱۹-۱۰, Wunsch, ۲۰۰۷: ۳۳۲-۳۳۳).

۲۳۶, Roth, ۱۹۹۱: ۲۰, Holtz, ۲۰۰۹: ۱۴۱, Nielsen, ۲۰۱۱: ۴۹, Evers, ۱۹۹۳: ۱۰۷-۱۱۷, Geller

۱۹۸-۱۹۱: ۲۰۱ (breytti). پایان کار بنگاه آگیبی بابل همزمان با شورش بابل، ویرانی معابد بابل و پایان خطروی بابل در اوایل پادشاهی خشایارشا نشانه‌ی ارتباط این عناصر و وقایع با همدیگر می‌باشد.

«بغه بوخشه» پسر «زوپوروس»، که در سارد در کنار خشایارشا بود، مامور شکست شورش بابل شد و این کار برجسته برای او پادشاهی سلطنتی بزرگ به ارمغان آورد (بریان، ۱۳۸۷: ۱/ص ۸۵۴ Waerzeggers & Seire, ۲۰۱۸: ۱۶۵-۱۸۸).

### نتیجه گیری

با فتح بابل و مواجهه‌ی کوروش و هخامنشیان با ساختارهای اقتصادی کشاورزی آن، که شامل معابد، دربار و بنگاه‌های خصوصی بود، و درک نقشی که معابد بابل در سقوط پادشاهی نونید داشتند، لزوم اتخاذ تدابیری در جهت کاهش نقش معابد در ساختار اقتصادی و سیاسی بابل احساس می‌شد، از این رو و به جهت تقویت موقعیت و موضع دربار هخامنشی بابل، سیاست توسعه‌ی کشاورزی بابل توسط بنگاه‌های خصوصی کشاورزی در پیش گرفته شد. همچنین با تقسیم زمین‌های تصرف شده دربار در بین اشراف، بزرگان، درباریان و حتی تقسیم زمین در بین گروه‌ها و طبقات مختلف، مقیم و یا مهاجر مردم بابل در شیوه‌ی خطرو سعی در افزایش تولیدات کشاورزی بابل گردید. گرچه سیاست

تقسیم زمین بین درباریان و مردم بابل جهت افزایش تولید و رونق اقتصادی بابل به خودی خود ارزشمند و راهگشا بود و منجر به تبدیل بابل به ثروتمندترین ساتراپی در زمان داریوش شد. اما اجرای تقسیم زمین به علت شیوهی مشابه اجاره‌داری زمین‌ها توسط دولت هخامنشی، این شیوه را به ناکارآمدی کشاند. از آن‌جا که در این شیوه با ورود بنگاه‌های خصوصی کشاورزی به عرصه‌ی اجاره‌گرفتن اراضی خطروی واگذار شده به مردم، و انجام کلیه‌ی وظایف از تعیین بهره‌بردار برای زمین، فروش محصول، تقسیم درآمد حاصل از فروش محصول در بین بهره‌بردار، بنگاه آگویی، مالیات دربار، و صاحب زمین در شیوهی خطرو، عملاً صاحبان زمین با واگذاری زمین به بنگاه آگویی و با دریافت مبالغی بدون انجام وظیفه‌ای به کسب درآمد می‌پرداختند.

از معایب بزرگ دیگر این شیوهی تمرکز بر روی تامین سرباز و یا تدارکات جنگی مانند سلاح و اسب و لباس و خود رزم بود که به علت عدم نیاز به سرباز در دوران صلح و تبدیل نوع خدمت به پرداخت مالی، مسلم بود که تامین این موارد توسط دریافت‌کنندگان زمین خطرو با اشکال مواجه می‌شد و در موقع نیاز به تامین این بخش دریافت‌کنندگان خطرو از انجام این وظایف چنانچه در مورد شورش بابل در ابتدای به قدرت رسیدن خشایارشا دیده شد، شانه خالی می‌کنند. زیرا از آن‌جا که حکومت هخامنشی خود شیوهی جایگزینی خدمت نظامی با خدمت اجاره‌داری را مطرح و پرداخت وجه به عوض خدمت نظامی را به کار گرفته بود، تغییر مجدد آن مشکل بود.

از مهم‌ترین اشکالات بنیادین زمین‌های واگذار شده در شیوهی خطرو، عدم امکان نقل و انتقال زمین به دیگران بود. بدین شکل زمین‌ها در اختیار افراد واجد شرایط و توانا در بهره‌برداری از آن قرار نمی‌گرفت. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از آن است که طرح‌های توسعه و جایگزینی بنگاه‌های خصوصی اعتباری کشاورزی آگویی در راس فعالیت‌های اقتصادی بابل، و در کنار آن ورود دربار بابل با شیوهی توزیع زمین‌های کشاورزی در شیوهی خطرو در بین مردم بابل، که به نوعی تقویت دو بخش دیگر اقتصاد بابل یعنی بنگاه‌های خصوصی کشاورزی و دربار بابل بود و در مجموع می‌توانست منجر به کاهش قدرت و تاثیرگذاری تدریجی معابد بر اقتصاد بابل شود، دیگر نیازی به تحمیل فشارهای سنگین اقتصادی به روش‌های مختلف به معابد بابل نبود و بسیار بهتر بود که دربار هخامنشی بابل، بسیار حرفه‌ای‌تر با معابد بابل رفتار می‌کرد تا به تدریج و به مرور زمان در تداوم شیوهی خطرو و توسعه‌ی فعالیت‌های بنگاه‌های خصوصی کشاورزی از نقش و اهمیت اقتصادی، کشاورزی معابد بابل کاسته شده، معابد بابل به جایگاه معنوی مورد انتظار از آن برسند. اما متأسفانه با افزایش فشارها و تحمیل‌های سنگین و ناروای اقتصادی که ناشی از



سخت‌گیری‌ها و زیاده‌روی‌های گویارو، حاکم منصوب شاه بزرگ در بابل بود، همانند دخالت‌های گسترده‌ی حاکم بابل در امور داخلی معابد و تنبیه خاطیان در اجرای فرامین دربار منجر به نتایجی خلاف آنچه برای آن در نظر گرفته و برنامه‌ریزی شده بود گردید. یعنی به عوض رسیدن به ثبات سیاسی اجتماعی در بابل منجر به تضاد و تقابل و خشم معابد بابل نسبت به دربار هخامنشی شده، تبدیل به شورش‌های گسترده‌ی بابل گردید.

همچنین شورش‌های بابل علاوه بر خروج بابل از پایتختی هخامنشی، منجر به خسارت‌های زیاد دیگری گردید، از جمله خسارت‌های مهم شورش بابل، از دست رفتن منبع عظیم و قابل توجهی از درآمدهای دربار و تولیدات کشاورزی و اقتصادی بابل، رشد منفی اقتصاد بابل برای سال‌های طولانی حداقل تا پایان سلطنت خشایارشا، از بین رفتن بخشی از منابع تامین نیرو (سرباز) و تدارکات جهت ارتش هخامنشی که توسط جامعه و اقتصاد پر رونق بابل فراهم می‌شد.

مشغول داشتن ارتش هخامنشی به جای حفظ امنیت خارجی و شرکت در مناقشات با همسایگان و یونانی‌ها، به خاموش و آرام کردن اوضاع داخلی و بخصوص در یکی از مهم‌ترین پایتخت‌های هخامنشی و نیز مشغول کردن اندیشه و تدبیر خشایارشا و دربار هخامنشی به اوضاع بابل، که آن‌ها را از تمرکز بر روی تدبیر بر روی مسائل مهم خارجی چون نبردهای خارجی با یونانیان بازداشت، بود. همچنین شورش بابل باعث گردید تا جهت فرونشاندن این شورش، نیاز به خارج کردن بخشی از ارتش هخامنشی از سارد و نواحی مرزی و از نبرد خارجی جهت ایجاد آرامش در داخل و پایتخت بابل باشد، امری که ناشی از مشکلاتی بود که در اثر بی‌تدبیری و یا زیاده‌روی‌های اقتصادی دربار هخامنشی در بابل و دستکاری در ساختار اقتصادی بابل ایجاد شد.

### منابع

۱. اومستد، آبرت تن آیک، ۱۳۸۳، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران، علمی و فرهنگی
۲. بریان، پیر، ۱۳۷۹، تاریخ امپراتوری هخامنشیان، ترجمه مهدی سمسار، جلد اول، تهران، ناشر زریاب
۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، جلد اول، تهران، فرزانه روز
۴. داندامایف، محمدا، ۱۳۷۳، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی اریاب، تهران، علمی و فرهنگی

۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، تاریخ سیاسی هخامنشی، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران، فرزانه روز
۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱، ایرانیان در بابل هخامنشی، ترجمه محمود جعفری‌دهقی، تهران، ققنوس

۷. دورانت، ویل، ۱۳۶۳، خلاصه‌ی داستان تمدن «کتاب اول میراث شرقی ما»، تلخیص عزت صقری، بی‌جا، اقبال
۸. رزمجو، شاهرخ، ۱۳۸۹، استوانه کوروش بزرگ تاریخچه و ترجمه کامل متن، تهران، فرزانه روز
۹. زنگی‌آبادی، علی و رحمان‌علی، حسینی، ۱۳۸۹، سیر تحول بانکداری از آغاز تاکنون، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۰، صفحات ۲۷-۱۷
۱۰. سامی، علی، ۱۳۸۹، تمدن هخامنشی، جلد دوم، تهران، پازینه
۱۱. سلطانی، امیرحسین، بهمن، فیروزمندی، رضا، شعبانی صمغ‌آبادی، هایده، خمسه، ۱۳۹۹، «به تخت نشستن داریوش بزرگ و اردشیر اول و نقش آنها در توسعه عمرانی تخت جمشید»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، دوره ۱۵ شماره ۵۷، از ص ۷۹ تا ص ۹۴
۱۲. شارب، رلف نارمن، ۱۳۸۴، فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی که به زبان آریایی (پارسی باستان) نوشته شده، شیراز، دانشگاه پهلوی شیراز
۱۳. شاه نظری، نرگس، علی اصغر، میرزایی، فیض‌اله، بوشاسب گوشه، ۱۴۰۰، «تاریخنگاری هرودوت و روایت نبرد سالامیس»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، دوره ۱۶ شماره ۶۰، از ص ۱۱۷ تا ص ۱۶۳
۱۴. شی‌یرا، ادوارد، ۱۳۷۵، الواح بابل، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، علمی و فرهنگی
۱۵. فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۷۳، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی
۱۶. فرخ‌کاوه، ۱۳۹۰، ایران باستان در جنگ، ترجمه شهریانوصارمی، تهران، ققنوس
۱۷. کخ، هایدماری، ۱۳۸۰، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران، کارنگ
۱۸. کوک، جان مانوئل، ۱۳۸۴، شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس
۱۹. کینگ، لئوناردو، ۱۳۷۸، تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه‌ی ایرانیان، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، علمی و فرهنگی
۲۰. گرشویچ، ایلیا، ۱۳۸۷، تاریخ ایران دوره‌ی هخامنشیان «تاریخ کمبریج»، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، دفتر دوم از جلد دوم، تهران، جامی

۲۱. گزنفون، ۱۳۹۰، کوروش بزرگ «زندگینامه بنیانگذار هخامنشیان، براساس نوشته‌های گزنفون»، ترجمه علی شیعه علی، تهران، سبزان
۲۲. لسترنیچ، گای، ۱۳۹۰، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی
۲۳. مک ایودی، کالین، ۱۳۶۷، اطلس تاریخی جهان از آغاز تا به امروز، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز
۲۴. ممینی، اسکندر، شکوه السادات، اعرابی هاشمی و احمد، کامرانی فر، ۱۴۰۰، «تاملی بر توسعه سازه‌های آبی و استفاده از راه‌های آبی در تمدن هخامنشی»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، دوره ۱۶ شماره ۶۱، از ص ۲۶۶ تا ص ۲۸۹
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حسین، بادامچی، ۱۳۸۳، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، تهران، سمت
۲۶. وردنبوخ، هلن سانسیسی و آملی، کورت، ۱۳۸۸، تاریخ هخامنشی «آسیای صغیر و مصر فرهنگ‌های کهن در یک شاهنشاهی نوین»، ترجمه مرتضی ثاقب فر، جلد ششم، تهران، انتشارات توس
۲۷. ویسهوفر، یوزف، ۱۳۸۸، ایران باستان «از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد»، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس
۲۸. هرودوت، ۱۳۳۶، تاریخ هرودوت، ترجمه: هادی هدایتی، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران
۲۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، تواریخ، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، دنیای کتاب
۳۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، تاریخ هرودوت، ترجمه مرتضی ثاقب فر، جلد اول، تهران، اساطیر
۳۱. هرمان، جورجینا، ۱۳۷۳، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۳۲. هیئتس، والتر، ۱۳۸۵، داریوش و پارس‌ها، ترجمه عبدالحسین صدریه، تهران، امیرکبیر
۳۳. Arrian (Arrianus, Flavius), ۲۰۱۴, The Anabasis of Alexander, Translator: E. J. Chinnock, the third book, London, Butler & Tanner, The Selwood Printing Works
۳۴. Abraham, Kathleen, ۲۰۰۴, Business and Politics under the Persian Empire: The Financial Dealings of Marduk-Nasir-Apli of the House of Egibi (۵۲۱-۴۸۷ B.C.E), Illustrated edition, Publisher CDL Press

۳۵. Baumgartner, Walter, ۱۹۵۰, Herodots Babylonische und Assyrische Nachrichten, Journal Archív Orientalí, Volume no. ۱۸, Pages ۶۹-۱۰۶
۳۶. Baker, H. D., ۲۰۰۱, Degrees of Freedom: Slavery in Mid-First Millennium BC Babylonia, World Archaeology, Vol. ۳۳, No. ۱, The Archaeology of Slavery, pp. ۱۸-۲۶
۳۷. Bedford, Peter Ross, ۲۰۰۱, Temple Restoration in Early Achaemenid, Leiden, Boston, Koln, Brill
۳۸. Brosius, M., ۲۰۰۰, The Persian Empire from Cyrus II to Artaxerxes I. LACTOR ۱۶: London, first edition
۳۹. Boscawen, ch. et al., ۱۸۷۸, Transactions of the Society of Biblical Archæology, Volumes ۶, London, The Office of the Society
۴۰. British museum, ۲۰۲۱, Cyrus Cylinder, Available online at: [www.britishmuseum.org/collection/object/W\\_۱۸۸۰-۰۶۱۷-۱۹۴۱](http://www.britishmuseum.org/collection/object/W_۱۸۸۰-۰۶۱۷-۱۹۴۱)
۴۱. Cardascia, Guillaume, ۱۹۵۱, Les archives des Murasu, Journal Zeitschrift der Savigny-Stiftung für Rechtsgeschichte, romanistische Abteilung, Paris, Volume no. ۷۰, Pages ۴۱۰-۴۱۱
۴۲. \_\_\_\_\_, ۱۹۵۸, Le statut de l'étranger dans la Mésopotamie ancienne, Recueil de la Société Jean Bodin ۹: ۱۰۵-۱۷
۴۳. \_\_\_\_\_, ۱۹۸۹, Babylon under the Achaemenids, Encyclopedia Iranica III, New York, USA, Columbia University, pp ۳۲۵-۳۲۶
۴۴. Cotterell, A, ۲۰۱۹, The First Great Powers Babylon and Assyria, Oxfordshire England, United Kingdom, Oxford University Press
۴۵. Dandamayev, M. A., ۱۹۸۴, Slavery in Babylonia; from Nebopolassar to Alexander the Great (۶۲۶-۳۳۱ B.C.), translated by Victoria A. Powell, Dekalb, North Illinois University Press
۴۶. \_\_\_\_\_, ۱۹۹۲, Iranians in Achaemenid Babylonia, California and New York, Mazda publisher in association with Bibliotheca Persica Costa Mesa
۴۷. \_\_\_\_\_, ۱۹۹۶, An Age of privatization in Ancient Mesopotamia, in Hudson, M.; Levine, Baruch A., Privatization in the Ancient Near East and Classical World, Cambridge, M.A., Harvard University
۴۸. De Mieroop, M. V., ۲۰۱۶, A History of the Ancient Near East ca ۳۰۰۰ - ۳۲۳ BC, The Atrium, Southern Gate, Chichester, West Sussex, United Kingdom, John Wiley & Sons, Inc

۴۹. Evers, Sheila M., ۱۹۹۳, George Smith and the Egibi Tablets, Iraq, Vol. ۵۵, pp. ۱۰۷-۱۱۷
۵۰. Finkel, I., ۲۰۱۳, The Cyrus Cylinder: The King of Persia's Proclamation from Ancient Babylon, London, New York, Published by I.B Tauris & Co. LTD
۵۱. Geller breytti, M. J., ۲۰۱۴, The Ancient World in an Age of Globalization, Berlin Germany, Publication in the Deutsche National bibliografie
۵۲. Herodotus, ۱۸۵۹, The History of Herodotus: A New English Version, by: George Rawlinson, Volume ۱, New York, D. Appleton & Company, ۳۴۶ & ۳۴۸ Broadway
۵۳. Holtz, Sh. E., ۲۰۰۹, Neo-Babylonian Court Procedure, Leiden Boston USA, Brill publisher
۵۴. Jursa, M., ۲۰۰۵, Neo-Babylonian Legal and Administrative Documents, Typology, Contents and Archives, Ugarit-Verlag, Münster
۵۵. \_\_\_\_\_, ۲۰۰۷, The Transition of Babylonia from the Neo-Babylonian Empire to Achaemenid Rule, proceeding of the British Academy, ۱۳۶, PP.۷۳-۹۴
۵۶. \_\_\_\_\_, ۲۰۱۰, a, Aspects of the Economic History of Babylonia in the First Millennium BC, Economic geography, economic mentalities, agriculture, the use of money and the problem of economic growth, Ugarit-Verlag Münster
۵۷. \_\_\_\_\_, ۲۰۱۰, b, Business companies in Babylonia in the first millennium B.C: Structure, economics strategies and social setting, Proceedings of a conference held at the Maison de la Chimie Paris, France ۹-۱۰ December ۲۰۰۵ (Aula Orientalis Supplementa ۲۶, Barcelona ۲۰۱۰), PP.۵۳-۶۸
۵۸. \_\_\_\_\_, ۲۰۱۱, Taxation and Service Obligations in Babylonia from Nebuchadnezzar to Darius and the Evidence for Darius' Tax Reform, Herodot und das Persische Weltreich/Herodot and Persian Empire, Edited by Robert Rollinger, Brigitte Truschnegg and Reinhold Biczler, Weisbaden, PP.۴۳۰-۴۴۸
۵۹. \_\_\_\_\_, ۲۰۱۳, Epistolographic Evidence for the Trips to Susa by Borsippian Priests and for the Crisis in Borsippa at the Beginning of Xerxes' reign, Vienna, ARTA ۲۰۱۳/۰۰۳
۶۰. Johns, Claude Hermann Walter, ۱۹۰۴, Babylonian and Assyrian Laws, Contracts and Letters, New York, Charles Scribner's Sons
۶۱. Joannès, F., ۱۹۸۲, Textes économiques de la babylonie recente, VII, paris, Études Assyriologiques: Étude des textes de TBER-Cahier ۶

۶۲. Kuhrt, Amelie, ۱۹۸۳, "The Cyrus Cylinder and Achaemenid Imperial Policy,"  
Journal for the Study of the Old Testament ۲۰, (from P ۸۳ to P ۹۷)
۶۳. \_\_\_\_\_, ۲۰۰۳, The Ancient Near East, C. ۳۰۰۰- ۳۳۰ BC, Vol. II, London,  
Published by Routledge
۶۴. Leick, Gwendolyn, ۲۰۰۳, The Babylonians, London and New York, Rutledge
۶۵. Lipiński, E. and K. v., Lerberghe, ۱۹۹۰, Immigration and Emigration Within the  
Ancient Near East, Leuven (Belgium), Peeters & Department of Oriental Studies  
Bondgenotenlaan
۶۶. Lukonin, V. G. and M. A., Dandamaev, ۲۰۰۴, The Culture and Social  
Institutions of Ancient Iran, Cambridge, United Kingdom, Cambridge  
University Press
۶۷. Morris, Silver, ۱۹۸۶, Economic Structures of the Ancient Near East, Totowa,  
New Jersey, Barnes & Noble Books
۶۸. Nielsen, J. P., ۱۹۷۳, Sons and descendants: a social history of kin groups and  
family names in the early neo-Babylonian period, ۷۴۷-۶۲۶ B.C., Danvers, MA,  
Hotei, IDC, Martinus Nijhoff, VSP
۶۹. \_\_\_\_\_, ۲۰۱۱, Sons and Descendants; A Social History of Kin Groups and  
Family Names in the Early Neo- Babylonian Period, Culture and History of the  
Ancient Near East, Volume ۴۳, Leiden
۷۰. Parker, B. and G., Parker, ۲۰۱۷, The Persians Lost Civilizations, London, United  
Kingdom, Published by Reaktion Books Ltd
۷۱. Pfeiffer, Robert, H., ۱۹۲۲, On Babylonian-Assyrian Feudalism (ilku), The  
American Journal of Semitic Languages and Literatures, Vol. ۳۹, no. ۱, Oct
۷۲. Pinches, Theodore G., ۱۸۸۹, Babylonian Banking-House's, The Old and New  
Testament Student, Vol. ۹, No. ۱
۷۳. Poser, R. ۲۰۱۲, Das Ezechielbuch als Trauma-Literatur, Leiden. Boston, Brill
۷۴. Roth, Martha T., ۱۹۹۱, The Dowries of the Women of the Itti-Marduk-Balātu  
Family, Journal of the American Oriental Society, Vol. ۱۱۱, No. ۱ (Jan. - Mar),  
pp. ۱۹-۳۷
۷۵. Stolper, Matthew W., ۱۹۸۴, The Neo-Babylonian Text from the Persepolis  
Fortification, Journal of Near Eastern Studies, Vol. ۴۳, No. ۴, pp. ۲۹۹-۳۱۰

٧٦. \_\_\_\_\_, ١٩٨٥, *Entrepreneurs and Empire: The Murašu Archive, the Murašu Firm, and Persian Rule in Babylonia* (PIHANS ٥٤), Nederlands Instituut voor Het Nabije Oosten Leiden
٧٧. \_\_\_\_\_, ٢٠٠٣, "No-one has exact information except for you:" communication between Babylon and Uruk in the first Achaemenid Reigns, Chicago, in: W., pp ٢٦٥-٢٨٧
٧٨. \_\_\_\_\_, ٢٠٠٤, *The Kasr Texts, the Rich Collection, the Bellino Copies and the Grotefeld Nachlass*, in: J.G. Dercksen (ed.), *Assyria and Beyond: Studies Presented to Mogens Trolle Larsen*, (Istanbul ٢٠٠٤)
٧٩. Spar, I. and E. V. Dassow, ٢٠٠٠, *Cuneiform Texts in the Metropolitan Museum of Art: Private archive texts, Volume III*, New York, N.Y., Metropolitan Museum of art publisher
٨٠. Van Driel, G., ٢٠٠٠, *Institutional and Non-Institutional Economy in Ancient Mesopotamia* in A.C.M.V. Bongenaar (ed.) *Interdependency of Institutions and Private Entrepreneurs*, (MOS ٢), Leiden, Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut Te Istanbul
٨١. Waters, M., ٢٠١٤, *Ancient Persia a Concise History of the Achaemenid Empire*, University of Wisconsin Eau Claire, New York, U.S.A, Cambridge University Press
٨٢. Waerzeggers, Caroline, ١٩٩٧, *Babylonians in Susa, the travels of Babylonian businessmen to Susa reconsidered*, PP. ١-٣٧
٨٣. \_\_\_\_\_, ٢٠١٠, *Der Achämenidenhof The Achaemenid Court, Babylonians in Susa, Akten des ٢. Internationalen Kolloquiums zum Thema» Vorderasien im Spannungsfeld klassischer und altorientalischer Überlieferungen «Landgut Castelen bei Basel, ٢٣.-٢٥. Mai ٢٠٠٧* Herausgegeben von Bruno Jacobs und Robert Rollinger London, Harrassowitz verlag, Wiesbaden, pp ٧٧٧-٨١٣
٨٤. \_\_\_\_\_, and Seire, Maarja, ٢٠١٨, *Xerxes and Babylonia, The Cuneiform Evidence*, Leuven – Paris – Bristol, CT, Peeters Publishers
٨٥. Wunsch, Cornelia, ١٩٩٩, *The Egibi Family's Real Estate in Babylon (٦<sup>th</sup> Century BC)*, in: *Urbanization and Land Ownership in the ancient near east*, Vol. II, Harvard University, PP. ٣٩٢-٤١٩
٨٦. \_\_\_\_\_, ٢٠٠٧, *The Egibi Family, In the Babylonian World*, edited by Gwendolyn Leick, New York & London, p ٢٣٢-٢٤٣

۸۷. \_\_\_\_\_, ۲۰۱۰, Neo-Babylonian Entrepreneurs, In the Invention of Enterprise: Entrepreneurship from Ancient Mesopotamia to Modern Times, edited by David S. Landes, John Mokyr, and William J. Baumol, pp. ۴۰-۶۱. Princeton, NJ, Princeton University Press, PP. ۴۰-۶۱
۸۸. Zadok, Ran, ۱۹۷۶, On the Connections between Iran and Babylonia in the Sixth Century B.C., Iran, Vol. ۱۴, Published By: Taylor & Francis, Ltd., pp. ۶۱-۷۸